

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى آلِ مُحَمَّدٍ

ضمیمہ دین و زندگی (۲)

تمامی رشتہ ها - ویژه اهل سنت

پایہ یازدهم

دورہ دوم متوسطه





وزارت آموزش و پرورش

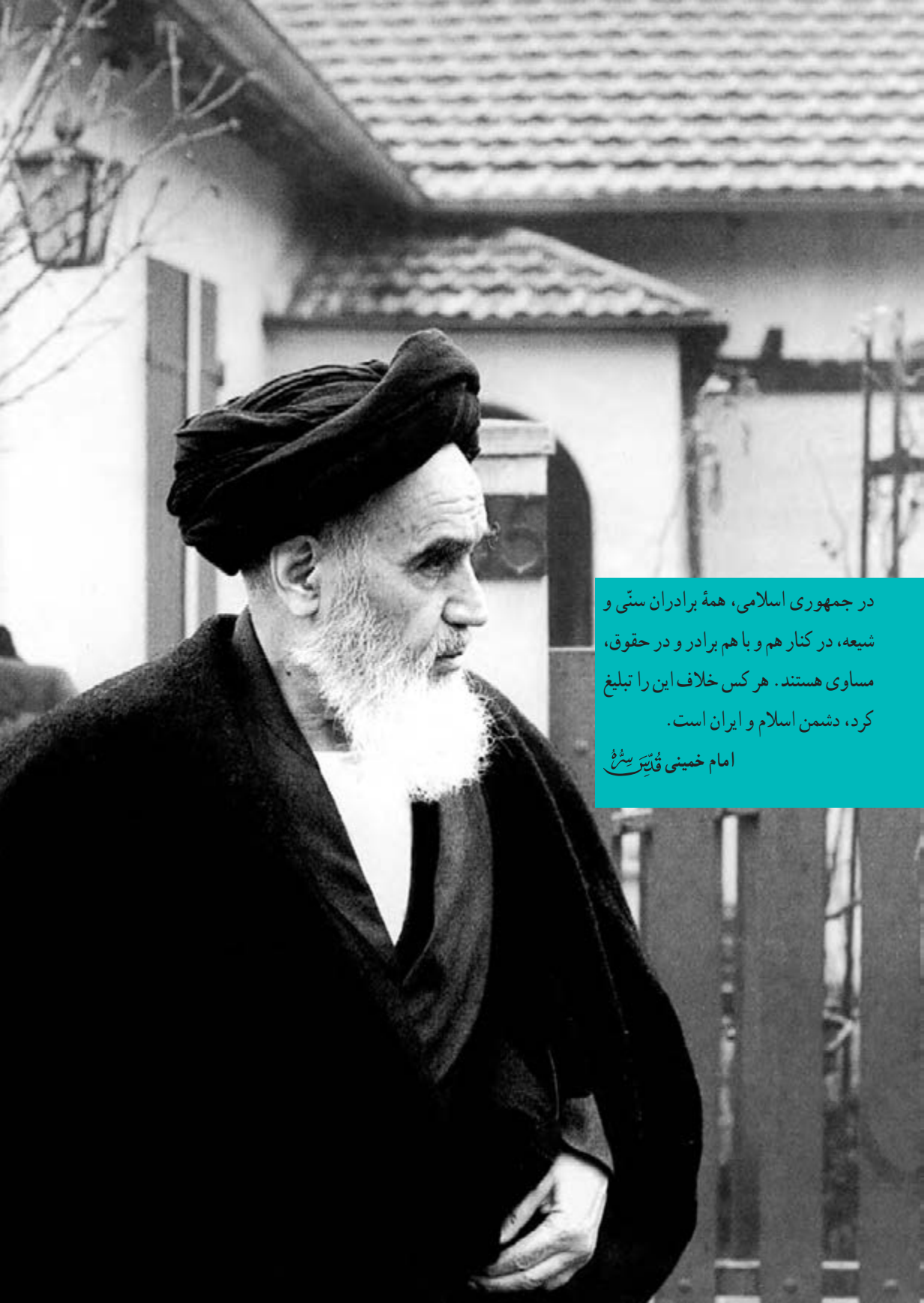
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب:
پدیدآورنده:
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:
مدیریت آماده‌سازی هنری:
شناسه افزوده آماده‌سازی:
نشانی سازمان:
ناشر:
چاپخانه:
سال انتشار و نوبت چاپ:

ضمیمه دین و زندگی (۲) (ویژه اهل سنت) - پایه یازدهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۱۳۳۸
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
حیدر الماسی، بهیه محمدی و عبدالله یعقوبی (اعضای گروه تألیف)
سیدعلی اکبر میرجعفری (ویراستار)
اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - جواد صفری (مدیر هنری) - مریم نصرتی (صفحه‌آرا) -
فاطمه باقری مهر، آذر روستایی فیروزآباد، حسین قاسم پور اقدم، زینت بهشتی شیرازی و راحله زادفتح‌اله
(امور آماده‌سازی)
تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
وبگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران: تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش)
تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
چاپ هشتم ۱۴۰۵

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۳۴۱۰-۶

ISBN: 978-964-05-3410-6



در جمهوری اسلامی، همه برادران سنی و شیعه، در کنار هم و با هم برادر و در حقوق، مساوی هستند. هر کس خلاف این را تبلیغ کرد، دشمن اسلام و ایران است.

امام خمینی قَدْ سَمِعْتُ

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است. هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی، ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.



فهرست



- ۱۰ درس اوّل : خلافت و حکومت اسلامی پس از رسول خدا ﷺ
- ۱۸ درس دوم : شورا و خلافت اسلامی
- ۲۸ درس سوم : خُلفای راشدین
- ۴۲ درس چهارم : گستره و انشعابات علوم اسلامی پس از خلفای راشدین
- ۴۸ درس پنجم : احکام و فقه اسلامی (تخصصی برای علوم انسانی)
- ۶۰ درس ششم : اُمت واحده و بصیرت دینی
- ۷۰ درس هفتم : زمینه‌های تفرقه و جدایی مسلمانان (تخصصی برای علوم انسانی)
- ۸۰ درس هشتم : آینده تاریخ در پرتو اخلاق اسلامی

سخنی با دبیران و دانش‌آموزان

دبیران و دانش‌آموزان عزیز

کتابی که در دست دارید، شامل مطالب ضروری مربوط به اصول و فروع دین از دیدگاه علما و فقهای اهل سنت و احکام ویژه این مذهب است. مطالب این کتاب، به جای بخش‌های اختصاصی (امامت) کتاب دین و زندگی (۲)، به دانش‌آموزان اهل سنت تدریس می‌شود. در کشور اسلامی ما گروهی از دانش‌آموزان اهل تسنن در احکام و فروع دین پیرو مذهب امام ابوحنیفه و گروهی دیگر پیرو مذهب امام شافعی هستند. از این رو، در کتاب درسی در موارد اختلاف، احکام بر مبنای نظرات فقهای هر دو مذهب بیان شده است. در اینجا نکته قابل توجه این است که اختلاف نظر مجتهدان و ائمه مذاهب در مسائل فرعی و احکام، هرگز نباید موجب تفرقه میان مسلمانان و جدایی آنها شود. اختلاف نظر علمی و بحث‌های بدون تعصب و تنگ‌نظری برای روشن شدن حقیقت، نیکو و پسندیده است. علما و روشنگران دینی باید بدون توجه به وسوسه‌های دشمنان اسلام و سخنان متعصبان جاهل با وسعت دید و سعه صدر به قرآن مراجعه و درگیری‌های خود را با توجه به قرآن و سنت رسول الله ﷺ حل کنند.

توجه :

۱- دروس این کتاب فقط جایگزین بخش امامت کتاب دین و زندگی (۲) تمامی رشته‌های پایه یازدهم می‌باشد و سایر قسمت‌های کتاب اصلی بین دانش‌آموزان اهل تشیع و اهل سنت مشترک است.

۲- دروس پنجم و هفتم مختص علوم انسانی است و تدریس آن برای سایر رشته‌ها ضروری نیست.

۳- در ارزشیابی مستمر این کتاب همانند کتاب اصلی دین و زندگی (۲) پایه یازدهم عمل شود.

۴- دانش‌آموزان باید احادیث و آیاتی را که دارای علامت * است، حفظ کنند.

۵- قسمت‌های «بیشتر بدانیم»، «پیشنهاد»، «دانش تکمیلی»، «نمونه‌یابی»، «تکمیل کردن»، «بررسی»، «درس‌آموزی» و «پاسخ به سؤالات شما»، فقط برای توسعه اطلاعات دانش‌آموزان است و در امتحانات مستمر و پایانی نباید از آن سؤال طرح شود.

۶- آیات ابتدایی درس برای قرائت در کلاس است و به‌صورت شفاهی پرسیده می‌شود و نباید هیچ‌گونه سؤالی در امتحانات کتبی از این قسمت طراحی شود.



نظرسنجی کتاب درسی

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا كُلَّمَا نَضِجَتْ
 جُلُودُهُمْ بِدَلْنِهِمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ
 كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿٥٦﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا
 لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا ﴿٥٧﴾ إِنَّ
 اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ
 النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا
 بَصِيرًا ﴿٥٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ
 وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ
 كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٥٩﴾
 أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنْزِلَ
 إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى
 الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ
 يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿٦٠﴾

کسانی که به آیات ما کافر شدند، به زودی آنها را در آتشی وارد می کنیم که هر گاه پوست های تن آنها (در آن) بسوزد، پوست های دیگری به جای آن برای آنها قرار می دهیم تا کفر (الهی) را بجشند. خداوند، توانا و حکیم است (و روی حساب، کفر می دهد). 

و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، به زودی آنها را در باغ های بهشتی وارد می کنیم که نهرها از پای درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و در آنجا همسرانی پاکیزه برای آنها خواهد بود؛ و آنان را در سایه ای گسترده (و فرح بخش) وارد می کنیم. 

خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانش بدهید؛ و هنگامی که میان مردم داوری می کنید، به عدالت داوری کنید. خداوند، اندرزه های خوبی به شما می دهد. خداوند، شنوا و بیناست. 

ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر (خدا) و پیشوایان خود را و هر گاه در امری نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر باز گردانید (و از آنها داوری بطلبید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید. این (کار برای شما) بهتر، و عاقبت و پایانش نیکوتر است. 

آیا ندیدی کسانی را که گمان می کنند به آنچه (از کتاب های آسمانی که) بر تو و پیش از تو نازل شده، ایمان آورده اند، در حالی که می خواهند برای داوری نزد طاغوت و حکام باطل بروند؟! با اینکه به آنها دستور داده شده که به طاغوت کافر شوند. اما شیطان می خواهد آنان را در گمراهی دوری بیفکند. 



درس اول

خلافت و حکومت اسلامی پس از رسول خدا ﷺ



نگاهی همراه با وداع

انس ابن مالک رضی الله عنه می گوید :

روز چهارم بیماری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، نماز جماعت صبح به امامت ابوبکر صدیق رضی الله عنه برپا شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرده آن در را که از منزلشان به مسجد باز می شد، کنار زد و به صفوف نمازگزاران نگاه کرد و با تبسمی شیرین پرده را انداخت. سپس به مسجد آمد و به ابوبکر صدیق اقتدا کرد. این آخرین باری بود که مسلمانان، رسول الله را در مسجد دیدند و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز صف نمازگزاران را دید. گویی پیامبر با نگاه پرمهرش با مسلمانان خدا حافظی می کرد. پس از این دیدار، آن بزرگوار در آخرین لحظات عمرش از شدت تب چهره مبارکش را با آب خیس می کرد و می فرمود: «لا اله الا الله، به راستی مرگ را سختی هایی است.» سرانجام، روح مبارک پیامبر مهربانی ها از بدنشان خارج شد و ایشان در چاشتگاه روز دوشنبه ۱۲ ربیع الاول سال یازدهم هجری وفات یافت. وقتی خبر وفات پیامبر رحمت منتشر شد، در همان ساعات اولیه، مردم درباره

انتخاب جانشین او شروع به رایزنی و مشاوره کردند. بی‌شک اولویت دادن به انتخاب جانشین برای رهبری جامعهٔ مسلمین قبل از خاک‌سپاری پیامبر مهر و عدالت، گامی بزرگ و مهم و اقدامی پیشرفته بود که اهمیت حکومت اسلامی و وجود حاکم برای ادارهٔ امور مردم را در قالب رأی جمعی صحابه نشان می‌داد و بر این نکته تأکید داشت که جامعه نباید لحظه‌ای از حاکم و حکومت خالی باشد؛ چون بنا به فرمودهٔ خداوند در قرآن کریم، اطاعت از حاکم اسلامی لازم و ضروری است.^۱

تدبّر در قرآن

در آیات ۵۹ و ۶۰ سورة نساء که در ابتدای درس آمده، تدبّر کنید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

- ۱- با توجه به آیه ۵۹ چرا بعد از نام خدا و پیامبر ﷺ، نام اُولی الامر ذکر شده است؟
- ۲- با تدبّر در دو آیه مورد نظر، بنویسید کدام واژگان آنها به مسئلهٔ خلافت اشاره دارد.

گاهی سؤال می‌شود که آیا پس از رسول خدا ﷺ نیازی به حکومت اسلامی هست و آیا بدون وجود حکومت، احکام خداوند اجرا می‌شود؟

با توجه به این امر مهم که دین در پی تأمین سعادت فرد و جامعه برای تمام دوران زندگی بشریت در این کرهٔ خاکی است و نظر به اینکه مقاصد و اهداف شریعت با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند، می‌توان مهم‌ترین دلایل تشکیل حکومت اسلامی پس از رحلت پیامبر ﷺ را این گونه خلاصه کرد:

۱- اجرای احکام الهی و تحقق اهداف والای اسلام در چارچوب قانون

رسول الله ﷺ حکومت اسلامی را تشکیل داد تا در سایهٔ حکومتی مشروع به اهداف دین خدا جنبهٔ عملی دهد و آنها را از حالت آرزو و فکر به مرحلهٔ عمل و اجرا در آورد. روشن است که بعد از ایشان هم احکام الهی باید اجرا شوند تا جاودانگی این راه پاک به شکل عملی تحقق پذیرد.

۱- خلفاء الراشدين من الخلافة الى الشهادة، اثر صلاح عبدالفتاح الخالدي و همچنین از کتاب‌های منبع به صحیح بخاری ۲۵۶، ۴۴۹ و ۴۴۵۰ مراجعه شود.

می‌دانیم که دین اسلام مجموعه‌ای از احکام فردی و اجتماعی را در خود دارد و این احکام (به‌خصوص نوع اجتماعی آنها) بدون وجود حکومت، امکان اجرا ندارد. پرداخت زکات، رسیدگی به حقوق خانوادگی و مالی مردم، جلوگیری از جرم و جنایت، مجازات متجاوزان به حقوق انسان‌ها و برخورد صحیح با دزدان و اختلاسگران و... همه و همه به اقتدار نیاز دارد. برقراری این اقتدار برعهده حکومت است^۱.

همچنین اهداف والای اسلام، مثل عدالت، ترویج خیر و خوبی، جلوگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی، اجرای احکام قضایی، اقتصادی و سیاسی به قانون نیازمند است؛ اجرای قانون هم به تکیه‌گاه محکمی نیاز دارد. این تکیه‌گاه محکم همان خلافت اسلامی است که با شورا و نظارت مردمی، دین خدا را به گونه‌ای مطلوب اجرا می‌کند.

۲- فراهم ساختن زمینه خوشبختی و خشنودی همگان

خداوند رحمتی عمومی نسبت به تمام بندگان دارد و همه را با دعوت به دین خود به خیر و صلاح و سعادت فرا می‌خواند. در زمان پیامبر گروهی این دعوت عمومی را می‌پذیرفتند و گروهی پذیرای آن نمی‌شدند، اما منتقدان و مخالفان دین هم می‌دیدند که در این جامعه، حقوقشان به بهترین وجه داده می‌شود. بنابراین، معتقدان با جان و دل و از سر ایمان حکومت را تقویت می‌کردند و غیر معتقدان هم با دیدن عدالت همگانی و سعادت جمعی، مجذوب حکومت اسلامی می‌شدند.

۱- حکومت اسلامی در صورت همدلی و همراهی اقشار مختلف جامعه با محتوا و ساختار مطلوبش، بهتر می‌تواند این نیازهای انسانی را برطرف کند و تحقق این امر بدون همکاری و همدلی مردم امکان‌پذیر نیست.

عدالت یکی از نیازهای انسان است و انسان‌ها با تمام وجود به وسیلهٔ عدالت آرامش می‌یابند و در سایهٔ آن به آسایش می‌رسند. انسان‌هایی که درونی سالم و فکری پاک دارند، نه تنها اجرای عدالت را در حق خودشان دوست دارند، بلکه عملی شدن آن را در حق دیگران نیز ضروری می‌دانند، اما افرادی که اخلاق پسندیده ندارند، ممکن است در هر فرصتی برای جلب منافع شخصی، حقوق دیگران را ضایع کنند. آخرین دورهٔ حضور رسولان الهی (دورهٔ ۲۳ سالهٔ رسالت پیامبر) به دلیل وجود شخص پیامبر و صحابهٔ بزرگوارش، زمان اوج عدالت‌خواهی و دادپروری انسان بوده است. قطعاً این به آن معنا نیست که با مرگ پیامبر و صحابه‌اش انسان به سعادت و عدالت نیاز ندارد. پابندی به قوانین عادلانه نیاز همیشگی بشر است و قدرت و اقتدار لازمهٔ پابندی به عدل و داد است. البته صرف اعتقاد به عدالت کارساز نیست، بلکه این مجریان عدالت‌اند که از آن دفاع می‌کنند و آن را به اجرا در می‌آورند و اینجاست که وجود حکومت اسلامی الزامی می‌نماید.

ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در جهان امروز

امروزه حکومت‌ها بر مردم تأثیرات عمده‌ای دارند. حکومت‌های لائیک^۱ مردم را از نیازهای ایمانی و روحی انسان دور می‌کنند و حکومت‌های سرمایه‌داری برای جلب بیشتر سرمایه و پول، مرزهای اخلاقی را زیر پا می‌گذارند و با بی‌توجهی به انسانیت و اخلاق و دین، عملاً جنبهٔ روحی انسان‌ها را به فراموشی می‌سپارند. ممکن است گفته شود که بسیاری از حکومت‌های لائیک و یا سرمایه‌دار در رفع نیازهای مادی مردم موفق‌اند؛ ما منکر این واقعیت نیستیم، اما سخن این است که انسان مانند نمایشگاهی بسیار بزرگ است که بخش جسمی و مادی قسمت ورودی این نمایشگاه بزرگ است (بنابراین باید رفاه مادی تأمین شود)، اما بخش مهم نمایشگاه وجودی انسان، فهم گستردهٔ او از خود و هستی و درک ایمان، عبادت و عرفان است. حکومت اسلامی باید ضمن تأمین رفاه مردم، زمینهٔ شکوفایی بُعد روحانی و معنوی آنان را فراهم کند و آنچه را مربوط به حکومت‌هاست، سروسامان دهد

۱- حکومت لائیک حکومتی است که معمولاً در مقابل حکومت دینی مطرح می‌شود. در این گونه حکومت‌ها مقوله‌ای به نام دین جایگاهی ندارد.

و از آنها حمایت کند. علاوه بر این، امروزه مسلمانان در صحنه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با مسائل جدیدی چون استفاده از اینترنت و شبکه‌های مجازی، نحوه ارتباط با کشورهای مختلف و نظام‌های سیاسی آنها، ارتباط با سازمان‌های بین‌المللی، پیوند اعضا و ده‌ها مسئله نوظهور دیگر روبه‌رو هستند. رهبران حکومت اسلامی باید بر مبنای اسلام و با مراجعه به قرآن و سنت، این مسائل جدید را حل و فصل کنند؛ به گونه‌ای که برطرف‌کننده نیازهای جدید همه طبقات مختلف انسانی باشند.

بیشتر بدانیم

باید دانست که برخی از مسائلی که امروزه با آن مواجهیم، به گونه‌ای با اعتقادات دینی در ارتباط است و نباید آنها را فقط امری علمی تلقی کرد. از جمله این مسائل می‌توان به «پیوند اعضا» اشاره کرد.

حکم فقهی پیوند اعضا :

شاید کم نباشند افرادی که پیوند اعضای فرد میت را به انسان زنده‌ای که نیازمند است، ناروا می‌دانند. حتی افراد زیادی هم هستند که پیوند اعضای فرد زنده را هم درست نمی‌دانند، اما این امر پس از آنکه مجتهدان آن را بررسی فقهی کرده‌اند، پذیرفته شده است.^۱

فقه‌ها در این باره این‌گونه استدلال کرده‌اند :

۱- قرآن در سوره مائده کشتن ناحق یک انسان را به مثابه کشتن کل انسان‌ها می‌داند و در مقابل، زنده کردن یک انسان را زنده کردن تمام انسان‌ها می‌داند.^۲

۲- بنای اسلام رفع سختی از زندگی انسان‌ها (به روش صحیح و شرعی) است (فقه‌ها این هدف والای دینی را رفع حرج می‌نامند).

در صورت ممنوع دانستن پیوند اعضا، حرج و سختی را در زندگی انسان‌ها روا دانسته‌ایم و این با اهداف و مقاصد شریعت سازگار نیست.

۳- در نهایت فقه‌ها براساس قاعده اضطرار^۲، پیوند عضو از مرده به زنده یا زنده به زنده را روا و جایز دانسته‌اند.

۱- البته به شرط اینکه میت خود قبلاً به این کار اجازه داده باشد یا در موارد ضروری خانواده‌اش رضایت خود را اعلام کنند.

۲- سوره مائده، آیه ۳۲: ... وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا ... و هرکس موجب زنده شدن کسی گردد، گویی تمام مردم را زنده کرده است.

۳- قاعده اضطرار یکی از قواعد مهم فقه اسلامی است. اصل قاعده این گونه است: الضرورات تبيح المحظورات؛ یعنی ضرورت‌ها و تنگناها امور نهی شده را روا می‌کنند. این قاعده از چند آیه و حدیث گرفته شده و خلاصه آن این است که گاهی نیاز و ضرورتی حیاتی یا مهم موجب می‌شود کاری که در شرایط عادی ممنوع است، روا گردد. خوردن گوشت حرام توسط فرد گرسنه‌ای که نزدیک به مرگ است، یکی از مصادیق این قاعده می‌باشد.

پاسخ به سؤالات شما

استفاده ما از شبکه‌های اجتماعی و اینترنت چه حکمی دارد؟
بنا به نظر علمای معاصر هر چه که در دنیای واقعی حرام است، در دنیای مجازی نیز حرام است و استفاده و دیدن هر چه که در دنیای واقعی حلال است، در دنیای مجازی نیز حلال است.^۱

دانش تکمیلی

با دوستان خود مشورت کنید و ویژگی‌های دیگری را که برای حکومت اسلامی لازم است، مشخص کنید.

اندیشه و تحقیق

- ۱- در آیه ۸۳ سوره نساء تفکر کنید و نکاتی را که درباره «اولوالأمر» به دست می‌آورد، استخراج کنید.
- ۲- از آیه‌های ۱۰۵ سوره نساء و ۴۸ سوره مائده چگونه می‌توان لزوم تشکیل حکومت اسلامی توسط پیامبر را استدلال کرد؟

۱- به قول فقهای معاصر، كُلُّ مَا النَّظَرُ عَلَيْهِ فِي الْوَاقِعِ حَرَامٌ فَالنَّظَرُ إِلَيْهِ عَلَى شَأْنِهِ الْتِفَازٌ وَمَا شَابَهَا حَرَامٌ وَ بِالْعَكْسِ.

وَمِنْ ءَايَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ﴿٣٢﴾ إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ
فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ ؕ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ
﴿٣٣﴾ أَوْ يُوقِعُهُنَّ بِمَا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ ﴿٣٤﴾ وَيَعْلَمَ الَّذِينَ
يُجَادِلُونَ فِي ءَايَاتِنَا مَا لَهُمْ مِنْ مَّحِيصٍ ﴿٣٥﴾ فَمَا أَوْتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَّاعُ
الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ
يَتَوَكَّلُونَ ﴿٣٦﴾ وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كِبْرَ الْأِثْمِ وَالْفَوَاحِشِ وَإِذَا مَا
غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ ﴿٣٧﴾ وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ
وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٣٨﴾ وَالَّذِينَ إِذَا
أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ ﴿٣٩﴾ وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ
عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ ؕ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿٤٠﴾ وَلَمَنْ
انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَٰئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ ﴿٤١﴾

۳۲

از نشانه‌های او کشتی‌های کوه پیکری است که در دریا حرکت می‌کنند. اگر او اراده کند، باد را ساکن می‌سازد تا آنها بر روی دریا بی‌حرکت بمانند؛ در این

۳۳

نشانه‌هایی است برای هر صبور شکرگزار. یا اگر بخواهد آنها را بخاطر اعمالی که سرنشینانش انجام داده‌اند نابود می‌سازد؛ و

۳۴

بسیاری را می‌بخشد. تا کسانی که در آیات ما مجادله می‌کنند بدانند هیچ گریزگاهی ندارند. آنچه به شما عطا شده متاع (زودگذر) زندگی دنیاست، و آنچه نزد خداست برای کسانی

۳۶

که ایمان آورده و بر پروردگارشان توکل می‌کنند بهتر و پایدارتر است. همان کسانی که از گناهان بزرگ و اعمال زشت اجتناب می‌ورزند، و هنگامی که

۳۷

خشمگین شوند عفو می‌کنند. و کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا می‌دارند و امورشان

۳۸

با مشورت در میان آنها انجام می‌گیرد و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند. و کسانی که هرگاه ستمی به آنها رسد (تسلیم ظلم نمی‌شوند و) یاری می‌طلبند. کیفر بدی، مجازاتی است همانند آن؛ ولی هرکس عفو و اصلاح کند، پاداش او

۳۹

بخداست؛ به یقین او ستمکاران را دوست ندارد. و کسی که چون ستمی بر او واقع شود (از خود دفاع کند و) یاری طلبد، هیچ ایرادی

۴۰

بر او نیست. بر او نیست.

۴۱



شورا و خلافت اسلامی

درس دوم

در درس گذشته شما را با ضرورت تشکیل حکومت اسلامی پس از رسول الله ﷺ آشنا کردیم. در این درس می‌خواهیم چگونگی انتخاب خلیفه پس از پیامبر خدا را بررسی کنیم. خدای علیم و حکیم به پیامبر دانایش امر کرد که با یاران مخلص و وفادار خود مشورت کند. این نشان می‌دهد که دین دوست داشتنی ما با مشورت و توجه به رأی و فکر افراد عجین شده است؛ چون یکی از نعمت‌های با ارزش خداوند، نعمت عقل است و عقل چراغ راه مؤمن است. مؤمن با این چراغ فروزان در مسیر زندگی پاک خود پیش می‌رود و با اخلاص و مداومت در آن به انتهای راه (بهشت) می‌رسد.

شورا و جایگاه آن

شورا بر وزن فعلی از ریشه شور است و در اصطلاح، کاری جمعی است که در آن اعضا در فکر انتخاب نظر بهتر هستند؛ نظری که اکثریت، بر بهتر بودن آن اتفاق نظر دارند. استفاده از شورا، تصمیم را بی عیب و نقص می کند و مانع اعمال نظرات فردی می شود. شورا نوعی مشارکت جمعی است که در آن افراد صاحب نظر و خیرخواه با دقت و اخلاص در پی تصمیم گیری صحیح و انتخاب رأی برتر برای رفع نیازها و البته حل مشکلات هستند.

عقل ها مر عقل را یاری دهد

مشورت ادراک و هشیاری دهد

مشورت، کالمستشار مؤتمن^۱

گفت پیغمبر بکن ای رایزن

قرآن کریم بر اصل شورا تأکید کرده است و خطاب به پیامبر اکرم ﷺ می فرماید :

... و در کارها با آنها مشورت کن

و وقتی هم که تصمیم می گیری، بر خدا توکل کن.

چون قطعاً خداوند توکل کنندگان را دوست دارد.

... وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ

فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ^۲

تدبّر در قرآن

قرآن کریم به ما توصیه کرده است که به شورا و مشورت توجه کنیم. درباره حکمت این دستور قرآن گفت و گو کنید.

۱- المستشار مؤتمن : حدیث نبوی است، یعنی هر که را مورد مشورت قرار می دهند، به او اعتماد می کنند. دو بیت بالا در مثنوی معنوی دفتر اول ذکر شد و حدیث «المستشار مؤتمن» در سنن الترمذی، سنن ابن ماجه و سنن دارمی و مسند امام احمد آمده و صحیح است.

۲- سورة آل عمران، آیه ۱۵۹

البته در موضوعاتی که دستور صریح قرآن یا حدیث وجود دارد، مشورت لازم نیست؛ مگر اینکه در کیفیت اجرای آن دستور به مشورت نیاز باشد. برای مثال، انفاق در راه خدا با نصوص قرآنی ثابت شده است، اما کیفیت انفاق می‌تواند با توجه به زمان و مکان و افراد تغییر کند؛ چنین است نظرخواهی پیامبر در موضوع کیفیت برخورد با مشرکان در جنگ احزاب و پذیرش مشورت سلمان فارسی رضی الله عنه در حفر خندق.^۱

یکی از سوره‌های قرآن کریم «شوری» نام دارد. در این سوره، بعد از بیان چند ویژگی مؤمنان و مجاهدان و خصوصیات قلبی و عملی آنها، به امر شورا تصریح شده است. ذکر شورا به عنوان یکی از صفات اصلی جامعه اسلامی (در کنار اقامه نماز و ادای زکات) و همچنین آمدن کلمه «امر» به صورت مطلق در آیه ۳۸ سوره شوری قابل توجه است.

تدبّر در قرآن

با تدبّر در آیه ۳۸ سوره شوری که در ابتدای درس آمده است، بگوئید چرا مشورت کردن میان دو واجب یعنی «نماز» و «انفاق»^۲ ذکر شده است؟

توجه کنید که شورا، اصلی ثابت و تغییرناپذیر است، اما از نظر وضع ظاهر، پیوسته دگرگون می‌شود و تنها کاردانان و اهل بصیرت مجازند که کیفیت آن را تغییر دهند.

۱- حدیث مشهور (مَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَأَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا بَعْدَهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَجُورِهِمْ شَيْءٌ). که امام مسلم آن را روایت می‌کند، مستند علمای اسلامی برای اثبات این موضوع است (صحیح مسلم ۱۰۱۷؛ این حدیث را در کتاب‌های سنن ابن ماجه، النسائی، سنن الترمذی، سنن الدارمی و مسند امام احمد هم می‌یابیم. ضمناً این حدیث صحیح است).

۲- توجه کنید که انفاق لفظی عام و کلی است و انفاق واجب و مستحب را شامل می‌شود. انفاق واجب همان زکات مال و زکات بدن (فطر) و کفاره‌های مالی است و انفاق سنت یا مستحب، سایر بخشش‌هایی است که مؤمن به مستحقان روا می‌دارد.

عضویت در شورا

عموم مؤمنان و مسلمانان حق عضویت در شورا را دارند و بر همین اساس و در چارچوب قوانین و مقررات اسلامی طرف مشورت قرار می گیرند، اما چون اجتماع و نظرخواهی همه مردم همواره ممکن نیست، از گذشته روش های مختلفی برای شورا به کار گرفته شده است و طبعاً هنوز هم به کار می رود. مثلاً مردم افرادی را که در میان آنان به صداقت، امانت داری، تقوا و علم مشهورند، به عنوان نماینده انتخاب می کنند تا در مسائل خاص اظهارنظر و تصمیم گیری کنند. شرط اصلی چنین انتخاب هایی، آگاهی و آزادی انتخاب کنندگان است تا بدون اغفال و سوء استفاده افراد ناباب و در آزادی کامل، فرد مناسب و مورد نظر خود را انتخاب کنند.

نمونه یابی

امروزه نمونه های مختلفی از شورا را در شهر و حتی محیط آموزشی می بینیم. چند مورد از آنها را نام ببرید و توضیح دهید که در هر کدام درباره چه مسائلی مشورت می شود.

بنا بر آنچه گذشت، حکومت پس از رسول خدا ﷺ به شکل خلافت و شورایی ادامه پیدا کرد. اینجا به شرح خلافت و چگونگی انتخاب و ادامه آن می پردازیم. خلفای راشدین برگزیدگانی از صحابه بزرگ پیامبر ﷺ بوده اند که با تکیه بر نظام شورایی خلافت، نظامی عادل و شریف را به امت اسلامی و بلکه به جهانیان تقدیم کرده اند.

خلافت

خلافت به معنای جانشینی است. کسی که پس از رسول الله ﷺ عهده دار حکومت اسلامی می شود، خلیفه نام دارد؛ چون ادامه دهنده راه رسول الله ﷺ است و پس از آن بزرگوار، اجرای دین و احکام الهی را در جامعه بر عهده دارد. نظام مبتنی بر شورا (که در صدر آن خلیفه قرار دارد) خلافت نامیده می شود. براساس حکم قرآن و سنت، پیروی از خلیفه و اطاعت از صاحبان امر خلافت، واجب است. البته در صورتی که حکم خلیفه و نظام خلافت اسلامی براساس قرآن و سنت باشد. توجه به این نکته لازم است که خلیفه خود یکی از اعضای شورای خلافت است و عنوان خلیفه نباید دستاویزی برای خودمحموری او شود.

راه انتخاب خلیفه

بنابر دیدگاه اهل سنت، بعد از رحلت پیامبر ﷺ مهاجران و انصار بنابر تکلیف دینی، سرپرستی امت اسلامی را برعهده گرفتند. آن بزرگواران طبق آیه (وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ) و نیز بنابر سنت نبوی که در کیفیت انجام امور مشورت می کردند، شورایی تشکیل دادند. بعد از شور و بررسی سرانجام اولین خلیفه یعنی ابوبکر صدیق رضی الله عنه را برگزیدند و سایر مسلمانان نیز با منتخب شورای مهاجران و انصار بیعت کردند.^۱ با توجه به توصیف قرآن از جامعه ایمانی، شاخصه اصلی حکومت اسلامی شورایی بودن آن است. به همین سبب، محور تعیین اولوالأمر، شورا است، اما کیفیت شورا (همان گونه که گذشت) بنا به شرایط و حالات، متفاوت است و تغییر می کند.

مهم ترین شرایط لازم برای خلیفه

چون خلافت با دین خدا و سرنوشت مردم ارتباط اساسی و تنگاتنگ دارد، هر کسی توانایی و لیاقت پذیرفتن چنین مسئولیتی را ندارد. مهم ترین شرایط لازم برای خلیفه شدن، موارد زیر است:

۱- خلیفه باید مسلمان و مؤمن باشد؛ چون غیر مؤمن نباید بر مقدرات مؤمنان سیطره یابد و حکومت کند. این شرط نباید ستم به غیر مسلمانان تلقی شود؛ چون همان گونه که گفتیم، حق کامل این افراد در تمام زوایای زندگی محفوظ است و آنچه مانع خلیفه شدن آنهاست، بنای اسلامی خلافت است که باید توسط شخص مسلمان اداره شود.

۲- خلیفه باید عالم به دین باشد و بتواند با قدرت اجتهاد و استنباط، احکام دین را از منابع اسلامی استخراج کند و پاسخ مسائل جدیدی را که در دنیای امروز مطرح می شود، با مراجعه به کتاب و سنت به دست آورد. البته این شرط به آن معنا نیست که همه اجتهادات توسط خود شخص خلیفه صورت می گیرد.^۲

در آیه ۸۳ سوره نساء، خداوند از افرادی که اخبار مختلف را بدون صلاح دید پیامبر ﷺ و آگاهان امت و طبعاً بدون ملاحظه مصلحت پخش می کنند، انتقاد می کند و پرداختن به چنین موضوعاتی را به مطرح کردن آنها در محضر پیامبر ﷺ و صاحب نظرانی موکول می کند که می توانند مطالب را از قرآن استنباط کنند.

۱- اتمام الوفاء فی سیره الخلفاء: محمد الخضری. نشر دارالفکر بی تا.

۲- این مهم از آیه ۸۳ سوره نساء فهم می شود.

۳- خلیفه باید متقی و به خصوص عادل باشد و براساس عدالت بر مردم حکومت کند؛ طوری که از اقتدارش سوءاستفاده نکند و از تبعیض و ستم دوری نماید. او باید با ظلم در تمام اشکال قومی، طبقاتی و مذهبی مبارزه کند؛ زیرا همانند تمام حکومت‌ها، در گستره حکومت اسلامی ترکیبی از مردمانی زندگی می‌کنند که دارای قومیت‌ها، مذاهب و مشاغل متفاوت‌اند. در ضمن، افراد پیر و ناتوانی هم وجود دارند که قادر به کسب درآمد نیستند و نمی‌توانند نیاز معیشتی خود را برطرف کنند. وجود این طبقات، به‌ویژه طبقهٔ اخیر، نیاز به تقوا و عدالت را در خلیفه لازم و ضروری می‌نماید.^۱

اهداف خلافت اسلامی

خلافت اسلامی به عنوان حکومتی پاک و نمونه، در پی رسیدن به اهدافی والاست. در اینجا به دو هدف از این اهداف والا اشاره می‌کنیم:

- ۱- تبیین، تبلیغ و پیاده کردن صحیح دین؛
- ۲- برقراری نظم اجتماعی و ایجاد رفاه عمومی.^۲

سه راهکار مهم برای رسیدن به اهداف خلافت اسلامی

نظام خلافت برای تحقق اهداف والای خود باید با استفاده از راهکارهای شرعی و مردمی، اقدامات زیر را انجام دهد:

- ۱- با مردم (به‌خصوص اهل نظر و علم و دانش) مشورت کند و از نظرات آنها بهره‌برد؛
- ۲- مردمی باشد و مانند آنان زندگی کند؛
- ۳- بر کارگزاران^۳ حکومتی و عملکرد آنها نظارت کند.^۴

۱- گرچه در اصطلاح اهل علم به کسی هم که از گناهان کبیره دوری می‌کند و به فضایل اخلاقی آراسته و مقبولیت تقوایی دارد، عادل می‌گویند.

۲- البته روش عملی حکومت خلفای راشدین نشان می‌داد که آن بزرگواران تمام هم‌شان مصروف این بود که ابتدا تمامی آحاد مردم را از فقر نجات دهند و برای همگان رفاه عمومی را فراهم کنند و سپس دین را در زندگی فردی و اجتماعی مردم احیا نمایند.

۳- کارگزاران همان مدیران و مسئولان جامعه‌اند که قوای قانون‌گذاری و اجرایی قضایی را تشکیل می‌دهند.

۴- محاکمهٔ پسر کارگزار مصر در زمان امیرالمؤمنین عمر و قصاص کردن او یکی از زیباترین مصادیق این بند است.

نقش مردم در حکومت اسلامی

پایه‌های حکومت اسلامی بر پذیرش مردم استوار است؛ بر این اساس، هرگاه مردم به توحید و نبوت رسول الله ﷺ ایمان بیاورند، خود به خود جامعه اسلامی تشکیل می‌شود و تشکیل جامعه اسلامی مقدمه تشکیل خلافت اسلامی است. به همین جهت، لازمه اقتدار حاکم اسلامی مقبولیت از جانب مردم است. در این صورت، خلیفه می‌تواند برنامه‌های خود را به اجرا درآورد و مردم را در جهت اهداف ایمانی به فعالیت و کار و تلاش، تشویق کند. اگر خلیفه مورد قبول مردم نباشد، حکومت به سمت استبداد حرکت خواهد کرد و از مردم جدا خواهد شد و در مواقع سخت، مردم از آن پشتیبانی نخواهند کرد. بنابراین، باید همواره رابطه‌ای عاطفی میان حاکم جامعه اسلامی و مردم وجود داشته باشد تا مردم، حاکم را از خود بدانند و از او حمایت کنند.^۱

تعامل حکومت اسلامی با دیگر حکومت‌ها

حکومت اسلامی رابطه خود را با سایر حکومت‌ها بر اساس موازین اسلامی تنظیم می‌کند. با کشورهایی که روابط عادلانه متقابل را رعایت کنند، رابطه حسنه و مسالمت آمیز برقرار می‌کند و در برابر کشورهایی که بخواهند به سرزمین اسلامی یا منافع آن تجاوز کنند، محکم و با شجاعت می‌ایستد و مقابله می‌کند و به هیچ حکومتی اجازه نفوذ و دخالت در چارچوب حکومت اسلامی را نمی‌دهد.

بیشتر بدانیم

رابطه متقابل مردم با خلیفه مسلمانان

نظام اسلامی همان‌طور که بدون خواست و پذیرش مردم شکل نمی‌گیرد، بدون دخالت و حمایت مردم نیز تداوم نمی‌یابد و مردم باید برای دوام و رشد و پیشرفت آن در همه ابعاد زندگی تلاش کنند. آنان حتی وظیفه دارند به خلیفه و کارگزاران او نصیحت کنند و با تذکرات خود، آنها را در مسئولیت‌هایشان یاری دهند و مشاورانی دلسوز برای آنان باشند. خلیفه و امام مسلمانان نیز باید نسبت به همه مردم مهربان باشد، راه استبداد را در پیش نگیرد. با مسلمانان مشورت کند و بداند که خداوند بر او حاکم و ناظر است. خلیفه باید عدل را، که مهم‌ترین وظیفه حکومت است، در جامعه گسترش دهد و میان مردم بر اساس عدل و داد حاکمیت کند.

۱- سعدی شیرین سخن در این باره می‌گوید :

درخت ای پسر، باشد از بیخ سخت
وگر می‌کُنی، می‌کُنی بیخ خویش

رعیت چو بیخ‌اند و سلطان درخت
مکن تا توانی دل خلق ریش

باید رضایت عمومی را بر رضایت خواص و نزدیکان ترجیح دهد، با افراد شجاع مشورت کند، نیکوکار را تشویق و بدکار را سرزنش نماید، پاسدار رفاه ویژه برای طبقات محروم و مستضعف جامعه باشند، به وضع آنها رسیدگی کند و کارهای فراوان حکومت مانع رسیدگی او به امور مردم نشود؛ به علاوه، در مقابل مردم مستضعف متواضع و فروتن باشد و آنها را نزدیک ترین طبقات به خود بداند؛ در اجرای قوانین و حدود الهی تحت تأثیر هیچ کس واقع نشود و دین خدا را با شجاعت، در جامعه اجرا کند. البته رسیدگی به امور فقرا نباید موجب آن شود که خلیفه نسبت به سایر طبقات مردم بی اعتنا باشد و یا در حق آنان ستم کند.^۱

اندیشه و تحقیق

- ۱- تأثیرات شورا را در موفقیت حکومت اسلامی توضیح دهید.
- ۲- رابطه حکومت اسلامی در برخورد با سایر حکومت ها بر چه اساسی است؟
- ۳- با تأمل در اهداف خلافت و حکومت اسلامی، بیان کنید که خلیفه و حاکم اسلامی چه ویژگی هایی باید داشته باشد؟

۱- یکی از نمونه های زرین برخورد زیبای حاکمان اسلامی با توده مردم، به ویژه مردم فقیر، ماجرای مشهور ابتدای خلافت امیرالمؤمنین عمر رضی الله عنه است. در تواریخ آمده است که ایشان برای مردم صحبت می کردند. در ابتدای سخنانشان فرمودند: «ای مردم، اگر از من کزی و انحرافی از راه درست دیدید، به من گوشزد کنید». ناگهان مردی اعرابی از میان مردم برخاست و شمشیر کشید و گفت: «به خدا قسم ای عمر، اگر از راه صواب و حق کناره بگیری، با این شمشیر کجم تو را راست خواهم کرد.» مردم سکوت کردند و منتظر عکس العمل خشم آلود خلیفه بودند. امیرالمؤمنین عمر با تواضع فراوان فرمود: «الحمد لله الذی جعل فی امة محمد من یتقیم اعوجاج عمر بسیفه...»؛ سپاس خدایی راست که در امت محمد کسی را قرار داده است که کزی عمر را با شمشیرش راست می کند.

لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ
 الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ءَامِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ
 وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ
 ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا ﴿٢٧﴾ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى
 وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا ﴿٢٨﴾
 مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ
 تَرْلَهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ
 فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ
 فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى
 عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ
 ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٢٩﴾

خداوند آنچه را به پیامبرش در رؤیا نشان داد، به حق راست گفت؛ به طور قطع همه شما به خواست خدا وارد مسجدالحرام می شوید در نهایت امنیت و در حالی که سرهای خود را تراشیده یا کوتاه کرده اید و از هیچ کس ترس و وحشتی ندارید؛ ولی خداوند چیزهایی را می دانست که شما نمی دانستید (و در این تأخیر حکمتی بود)؛ و قبل از آن، فتح نزدیکی (در خیبر برای شما) قرار داده است. ﴿۲۷﴾

او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه ادیان پیروز کند؛ و کافی است که خدا گواهِ (این موضوع) باشد. ﴿۲۸﴾

محمد فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند؛ پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می بینی در حالی که همواره فضل و رضای خدا را می طلبند؛ نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است؛ این توصیف آنان در تورات است و توصیف آنان در انجیل، همانند زراعتی است که جوانه اش را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و به قدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وا می دارد؛ این برای آن است که کافران را به خشم آورد! و کسانی از آنها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، خداوند وعده آمرزش و پاداش عظیمی داده است. ﴿۲۹﴾



درس سوم

خُلفای راشدین



در بحث‌های گذشته با ضرورت ادامه یافتن خلافت اسلامی پس از رسول الله ﷺ آشنا شدید و آموختید که حکومت اسلامی و رهبری آن، دارای ویژگی‌هایی است که آن را از حکومت‌های دیگر متمایز می‌کند. در این درس می‌خواهیم شما را با خلفا و جانشینان رسول خدا ﷺ که پس از وی به شکل شورایی، رهبری جامعه اسلامی را بر عهده گرفتند، بیشتر آشنا کنیم.

واژه «راشده» از کلمه «رشد» گرفته شده است و رشد در اینجا یعنی استقامت در راه حق. راشد یعنی کسی که راه حق را محکم و با استقامت می‌پیماید و خلافت راشده یعنی خلافتی که مبنایش ایستادگی بر حق و عدالت است.

امت اسلامی این واژه را از حدیث زیر گرفته است :

«عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَ سُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ»^۱؛ به سنت من و سنت خلفای راشدین تمسک جوید.

مسلمانان به خلفای پنج‌گانه؛ یعنی ابوبکر، عمر، عثمان، علی و حسن (رضوان الله علیهم اجمعین) خلفای راشدین می‌گویند. باید بدانید که اگر امروزه در بعضی کتاب‌ها در شمارش خلفا به چهار نفر اول بسنده می‌شود، به این سبب است که مدت خلافت حسن بن علی علیه السلام کوتاه بوده و ایشان عملاً مجال خلافت نیافته است؛ بنابراین، ایشان خلیفه راشد است، اما خلافتی نداشته که در کنار چهار خلیفه دیگر از وی نام برده شود.

تدبیر در حدیث

- ۱- چرا در حدیث «علیکم بسنتی و...» در کنار پیروی از سنت، روش خلفای راشدین هم ذکر شده است؟
- ۲- پیامبر رحمت از جانشینان محبوبش با چه تعبیری یاد کرده است؟

اکنون به طور مختصر با زندگی و ویژگی‌های خلفای راشدین آشنا می‌شویم.

۱- خلیفه رسول الله ابوبکر صدیق رضی الله عنه

عبدالله بن عثمان (ابوبکر) اولین خلیفه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بود که پس از رحلت پیامبر در یک بیعت پر از عاطفه و احساس ایمانی به خلافت رسید. وی قبل از اسلام در میان مردم به راست‌گویی مشهور بود و پس از ظهور اسلام، پیامبر بزرگوار به ایشان لقب صدیق داد. ابوبکر صدیق رضی الله عنه که دوست قدیمی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود، اندکی پس از ظهور اسلام به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسید و رسالتش را تصدیق کرد. ابوبکر تنها شخصیتی است که خود، پدر، پسر و نوه‌اش - محمد بن عبدالرحمن - (چهار نسل) همگی از اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بوده‌اند.

۱- حدیث صحیح سنن دارمی ۹۶، سنن ترمذی ۲۶۷۶، مسند امام احمد ۱۷۴۲-۱۷۴۴-۱۷۴۵، سنن ابی داود ۴۶۰۷، سنن ابن‌ماجه ۴۳

مورخین اسلام می‌نویسند که ابوبکر صدیق رضی الله عنه بعد از بیعت مردم خطبه‌ای به شرح ذیل خواند :
 «برادران من، اینک خدمت حکومت کردن بر شما به من سپرده شده است. اگر دیدید من وظایف خود را درست انجام می‌دهم، با من همراهی کنید و اگر خطایی از من سرزد تأذیم کنید.»^۱

ویژگی‌های شخصیتی ابوبکر صدیق رضی الله عنه^۲

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دربارهٔ ابوبکر صدیق فرمود : «کسی که بیشترین خوبی و بخشش را با دوستی و دارایی‌اش در حقم کرد، ابوبکر صدیق است»^۳.
 او قلبی بسیار مهربان داشت و از ثروتش برای کمک به فقرا و اسیران استفاده می‌کرد.^۴ ابوبکر یار غار پیامبر در هجرت پر از رمز و راز او بود. پیامبر به نقل از قرآن، پس از دیدن غم دلسوزانه‌اش فرمود : غم مخور؛ زیرا قطعاً خداوند با ماست.
 در قرآن کریم به این مطلب در آیه ۴۰ سوره توبه تصریح شده است :

«إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ، إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ»؛

«اگر شما پیامبر را یاری نکنید، [بدانید که] خدا [قبلاً] او را یاری کرده [و باز هم یاری می‌کند]. خداوند او را زمانی یاری کرد که کافران از (مکه) بیرونش کردند. آنگاه که (دو نفر بیشتر نبودند) و او دومین نفر بود. هنگامی که به دوست دلسوزش [ابوبکر] گفت : غم مخور! قطعاً خداوند با ماست و خداوند آرامشش را بر پیامبر نازل کرد [و ابوبکر هم در پرتو این الطاف آرام گشت].»

۱- گوستاولوبون فرانسوی، تمدن اسلام و غرب، ترجمهٔ سیدمحمد تقی فخر داعی گیلانی، ۱۳۱۸ هـ. ش، چاپ‌خانهٔ علمی، ص ۱۷۴
 ۲- صدیق یعنی کسی که با زبان و عمل صداقت خود را در پیروی از دین خدا ثابت می‌کند. در سورهٔ نساء آیه ۶۹، صدیقین به عنوان دومین گروه از بندگان خوب خدا معرفی شده‌اند.
 ۳- صحیح بخاری ۴۶۶ و مسند احمد ۱۱۸۶۳
 ۴- صحیح بخاری - ۳۶۵۴ - ۳۹۰۴ - صحیح مسلم ۲۳۸۲ - مسند احمد ۱۱۱۳۴ و ۱۱۶۳

ابوبکر رضی الله عنه بسیار متواضع بود. زندگی کاملاً بی‌آلایش و دور از تکلفی داشت و به خواهش‌های دنیایی بی‌اعتنا بود. او در عین تواضع و فروتنی، در اجرای احکام و حدود شرعی سخت‌گیر بود و شجاعانه و بی‌پروا عمل می‌کرد. ابوبکر صدیق در اجرای عدالت اجتماعی بسیار جدی بود و هیچ‌گاه اجازه نمی‌داد در محضرش از او تعریف کنند و اگر کسی این کار را می‌کرد، با فروتنی بسیار در مقابل خداوند، گریه‌کنان، می‌گفت: «بارالها، مرا بهتر از آن کن که مردم می‌پندارند و آنچه را آنها درباره من نمی‌دانند، پیامرز و مرا به خاطر سخنانشان در قیامت مورد بازخواست قرار مده.»^۱ او اولین کسی بود که برای رسیدگی هر چه بهتر به حال مستمندان، اجازه نداد زکات از نماز جدا شود. در واقع، او این مهم را از این آموزه قرآن برگرفته بود: «اقیموا الصلوة واتوا الزکاة». مردم او را می‌دیدند که با جسم نحیفش سخت‌کوشانه برای خوشبختی همگان شب و روز کار می‌کند. در تواریخ معتبر آمده است که ابوبکر حتی پس از رسیدن به خلافت، درماندگان و مردمان مددجو را رها نکرد و به آنها سرکشی می‌کرد. در میان صحابه و نزدیکان ثروتمند پیامبر صلی الله علیه و آله ام‌المؤمنین خدیجه، امیرالمؤمنین عثمان و دوست باوفای پیامبر عبدالرحمن بن عوف (رضی الله عنهم اجمعین) و... به جود و سخاوت مشهور بودند، اما ابوبکر صدیق بود که در بذل مال و دارایی‌اش در راه دین محمد صلی الله علیه و آله سرآمد همگان بود؛ طوری که بزرگان صحابه همگی به این موضوع معترف بودند و چه بسا یکی از دلایل ماتم همگانی مسلمانان در روز مرگ ابوبکر صدیق توجه مردم به این خصلت والای آن بزرگوار بود. به شهادت تاریخ، مرگ ابوبکر صدیق بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، غمگین‌ترین تجربه مسلمانان بوده است. او مانند پیشوای پاکش ۶۳ سال زندگی کرد و صحابه با انتخاب وی به عنوان خلیفه رسول الله صلی الله علیه و آله عملاً نشان دادند که به فضیلت او معترف‌اند.

به قول فردوسی خوش سخن:

که خورشید بعد از رسولان می‌ه نتایید بر کس ز بوبکر به

تدبیر در آیه

آیه شریفه ۴۰ سوره توبه بر تثبیت چه واقعه مهمی تصریح کرده است؟ (می‌توانید به تفاسیر اهل سنت مراجعه کنید.)

۱- خلفاء الرسول، اثر خالد محمد خالد

برخی از اقدامات مهم ابوبکر صدیق رضی الله عنه در دوران خلافت :

۱- او به محض رسیدن به خلافت دستور داد کاتبان و حافظان وحی، قرآن را که در صفحاتی پراکنده نوشته شده بود، جمع‌آوری کنند و در یک مصحف قرار دهند. این دستور پس از آن صادر شد که هفتاد نفر از حافظان قرآن در جنگ با مسیلمه کذاب به شهادت رسیدند.

۲- سپاه اسامه بن زید را که قبل از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله آماده حرکت به سرحدات روم شده بود، بار دیگر تجهیز و به آن منطقه اعزام کرد.

۳- پایه‌های دولت اسلامی را تحکیم کرد و قبایل پراکنده را زیر پرچم پرافتخار اسلام متحد ساخت.

۴- کسانی را که مانع زکات بودند و از پرداخت زکات خودداری می‌کردند، مجبور به پرداخت زکات کرد و حق فقیران و مستمندان و حکومت اسلامی را از آنها گرفت. توضیح این مطلب لازم است که زکات یکی از مترقی‌ترین احکام اسلامی است که با ادای آن، رفاه طبقات کم توان جسمی و روحی جامعه «خصوصاً» و رفاه عمومی «عموماً» تأمین می‌شود. به گفته ام‌المؤمنین عایشه رضی الله عنها، امیرالمؤمنین ابوبکر صدیق رضی الله عنه در روز دوشنبه هفتم جمادی الآخر در سال سیزدهم هجری بیمار شد و پانزده روز نتوانست به مسجد برود. تا اینکه بعد از غروب روز سه شنبه بیست و دوم همان ماه به جوار رحمت حق تعالی پیوست و طبق وصیت خودش او را در حجره ام‌المؤمنین عایشه رضی الله عنها، در جنب مرقده منور رسول الله صلی الله علیه و آله به خاک سپردند. ایشان دو سال و سه ماه خلافت کرد و در ۶۳ سالگی رحلت نمود.

درس آموزی

از شیوه زندگی و ویژگی‌های خلیفه رسول الله صلی الله علیه و آله، ابوبکر صدیق رضی الله عنه، چه درس‌هایی می‌توانیم بگیریم؟ چهار مورد آن را با همفکری هم‌کلاسی‌هایتان انتخاب کنید و به صورت مقاله‌ای در کلاس ارائه دهید.

۲- امیرالمؤمنین عمر فاروق رضی الله عنه

امیرالمؤمنین نامش عمر رضی الله عنه و لقبش فاروق بود. فاروق یعنی تمیزدهنده حق از باطل. این لقب به راستی زبینه وجود پاک او بود. عمر فاروق در ۲۷ سالگی مسلمان شد. او می‌گفت هر کس جاهلیت

را تجربه کرده باشد، قدر اسلام را خوب می‌داند. پیامبر او را فاروق نامید؛ چون مردی وارسته، باهوش و تحلیلگر و با وجود قدرت جسمی، بسیار با عاطفه بود. یک بار که شبانه در مدینه برای تفحص درباره اموال مردم در شهر گردش می‌کرد، با شنیدن گریه‌های کودکی، بسیار گریست^۱ و تاریخ، صحنه‌های زیادی از گریه‌ها و سایر عواطف انسانی او را گزارش کرده است.

عمر فاروق پیش از اسلام به‌خاطر نیروی جسمی و قدرت ذکاوتش مقبولیتی عام داشت و اسلام این دو قابلیت را شکوفاتر کرد و به وی حیات طیب^۲ قرآنی داد. وی بر عدالت اقتصادی و برداشتن فاصله طبقاتی بسیار اصرار می‌ورزید و برای اینکه نیازمندی در قلمرو خلافتش باقی نماند، برای همگان حقوق ماهانه مقرر کرد. عمر فاروق پس از ۶۳ سال زندگی پر فراز و نشیب به ابدیت پیوست و با پیوستن به کاروان شهدا، زندگی پر خیرش با شهادت، خاتمه یافت.^۳

فردوسی درباره شجاعت وی در اظهار کردن اسلام می‌گوید:

عمر کرد اسلام را آشکار بیاراست گیتی چو باغ بهار

امیرالمؤمنین عمر رضی الله عنه با ذاکوتی که داشت، برای رسیدگی به امور کشوری و اداری برنامه‌ای منظم به نام دیوان مقرر کرد. وی همان‌گونه که گفته شد، با مقرر کردن حقوق عمومی برای همگان جامعه اسلامی را از فقر دور کرد. در زمان خلافتش عدالت اجتماعی را چنان رعایت کرد که اعجاب همگان را برانگیخت؛ تا جایی که مورخ بزرگ فرانسوی، گوستاویلوبون، در کتاب «تمدن اسلام» تحت تأثیر عملکرد حاکمان مسلمان، به خصوص عمر فاروق رضی الله عنه می‌گوید: «دنیا فاتحانی مهربان‌تر و عادل‌تر از مسلمانان ندیده است. آنها با رفتار خوب و عدالت بی‌نظیر، بهتر و بیشتر از قدرتی که داشتند، به اهداف خود و پیروزی حیرت‌انگیزشان رسیدند.»^۴

۱- ماجرا از این قرار بود که امیرالمؤمنین عمر رضی الله عنه برای تمام کودکانی که آنها را از شیر بریده بودند، حقوقی از بیت‌المال مقرر کرده بود و این حقوق به تمامی افراد در همه سطوح سنی تا زمانی که زنده بودند، پرداخت می‌شد. در این میان مادر کودکی که می‌خواست حقوق فرزندش حلال باشد، در همان شب تولد کودک تلاش می‌کرد او را از شیر بگیرد و بچه خودداری و گریه می‌کرد. وقتی عبدالرحمن بن عوف به دستور امیرالمؤمنین با مادر بچه صحبت کرد و مادر ماجرا را برای او تعریف نمود، امیرالمؤمنین عمر سخت گریه کرد و گریه کنان گفت: «فردا دستور خواهیم داد که حقوق مقرر دولتی از همان بدو تولد شامل همگان شود».

۲- زندگی پر از ایمان و باکی و خیرخواهی و خدمت را حیات طیب می‌گویند.

۳- مورخان اسلامی امیرالمؤمنین عمر را «شهید محراب» لقب داده‌اند؛ چون در هنگام ادای نماز صبح فردی شقی و بدخواه به نام ابولؤلؤ به ایشان حمله کرد و ضربت زد.

۴- تمدن اسلام و غرب، تألیف دکتر گوستاویلوبون، ترجمه سیدمحمد تقی فخر داعی گیلانی، چاپ‌خانه علمی طهران، ۱۳۱۸، صص

برخی از اقدامات مهم امیر المؤمنین عمر فاروق رضی الله عنه :

- ۱- تقسیم قلمرو پهناور اسلام به ۲۳ ایالت و انتخاب بهترین افراد برای تولیت امور ایالت‌ها؛
 - ۲- تأسیس سازمان پلیس که کار افراد آن در شب، حفظ انتظامات و امنیت شهرها و در روز، اجرای احکام قضایی و حدود شرعی بود.
 - ۳- تأسیس یک سازمان ساده گمرک که وظیفه‌اش دریافت ده درصد حقوق گمرکی از تجار خارجی بود.
 - ۴- تأسیس دبیرخانه و نظام امور مالی برای ثبت اسناد و رسیدگی به امور بیت‌المال و درآمد حقوق بگیران
 - ۵- تحدید و مقرر کردن تاریخ اسلام؛ پس از مشورت و تبادل نظر، آغاز تاریخ اسلام بر مبنای هجرت رسول الله از مکه به مدینه تعیین شد.
 - ۶- گسترش قلمرو اسلامی به سرزمین‌های ایران و روم شرقی و آزادسازی مردم ستم‌دیده این دو سرزمین.
- در فتح بیت المقدس عمر فاروق رضی الله عنه با افراد معدودی وارد شهر شد و از اسقف سفرونیوس^۱ درخواست کردند که با هم بروند و مقامات مقدسه را زیارت کنند و همان وقت امر کرد منادی ندا کند که حفظ اموال و معابد این شهر را ما خود دمه‌دار هستیم و حتی مسلمین مجاز نیستند که در کلیساها نماز بخوانند.^۲

درس آموزی

از شیوه زندگی و ویژگی‌های امیر المؤمنین عمر فاروق رضی الله عنه، چه درس‌هایی می‌توانیم بگیریم؟ چهار مورد آن را با همفکری هم‌کلاسی‌هایتان انتخاب کنید و در کلاس ارائه دهید.

۱- Sophronius

۲- تمدن اسلام و غرب، گوستاولوبون، ص ۱۶۸

۳- امیر المؤمنین عثمان ذی النورین رضی الله عنه

عثمان بن عفان رضی الله عنه سومین خلیفه راشد است که با انتخاب شورایی ویژه تعیین شده است. او هم مانند شیخین (ابوبکر و عمر) رضی الله عنهما از سابقین (پیشتان) اسلام بود.^۱

صحابه نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله هر کدام به خصلتی مشهور و آراسته بودند و صفت مشهور امیر المؤمنین عثمان رضی الله عنه، حیای او بود. براساس حدیثی که امام بخاری آن را در کتابش آورده، یکی از مهم ترین نکاتی که مردم از پیامبران پیشین خداوند درک کرده اند، اهمیت حیاست.^۲ پیامبر صلی الله علیه و آله حیا را خصلتی سراسر خیر می دانست و امیر المؤمنین عثمان رضی الله عنه در بین جمع پر خیر و با حیای صحابه از این جهت نگینی درخشان بود. او همچنین سخاوت بسیار داشت. عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه می گوید: «تمام مردم مدینه، وام دار عثمان ذی النورین رضی الله عنه هستند. یک سوم آنها را مهمان می کند؛ قرض یک سوم را ادا می کند و به یک سوم دیگر کمک می کند. هنوز آثار وقف امیر المؤمنین عثمان رضی الله عنه در مدینه مانده است. او کسی است که وقتی یک سال قحطی آمد، گندم های کاروان تجاری خود را میان فقرای مدینه تقسیم کرد.»^۳

سرانجام، بدخواهان امت و آشوب طلبان، عثمان سخاوتمند و باحیا را شهید کردند. بی شک صحابه پیامبر با انتخاب عثمان ذی النورین بعد از شیخین، نشان دادند که اهل فهم و ذوق اند؛ چرا که مردی متدین را برای رهبری دنیا و دین خود برگزیدند. فردوسی با ذکاوت در این باره چه خوش سروده است:

که خورشید بعد از رسولان مه نتایید بر کس ز بوبکر به
عمر کرد اسلام را آشکار بیاراست گیتی چو باغ بهار
پس از هر دوان بود عثمان، گزین خداوند شرم و خداوند دین^۴

با گسترش اسلام در سرزمین های مختلف و نیاز مردم آن مناطق و شهرها به قرآن و فراگیری صحیح آن، ایشان دستور داد که کارگزاران با دقت، نسخه های زیادی از قرآن را که دارای رسم الخط واحد بودند، منتشر کنند و به نقاط مختلف سرزمین های اسلامی بفرستند.

۱- «شیخ» در کاربرد اولیه زبان عربی به پیرمرد و کسی گفته می شود که پنجاه سالگی را پشت سر گذاشته است، اما در ادبیات اسلامی کلمه شیخ به بزرگان اطلاق می شود و در ماجرای خلافت، شیخین ابوبکر و عمر رضی الله عنهما هستند. در بین شافعی مذهب، شیخین به دو امام همام نووی و رافعی گفته می شود و در اصطلاح حنفیه، منظور از شیخین خود امام اعظم (ابوحنیفه) و قاضی ابویوسف رضی الله عنهما است. در علم تفسیر به امام ابن کثیر و امام طبری شیخین می گویند. در علم حدیث نیز به امام بخاری و امام مسلم شیخین گفته می شود. البته کاربرد اسم شیخین برای ابوبکر و عمر رضی الله عنهما جز به سبب بزرگی و فخامت مقامشان، به جهت نسبتشان با پیامبر صلی الله علیه و آله هم بوده است. در میان صحابه و اقبشار مسلمانان بعد از یاران پیامبر، به عثمان و علی «صهرین» می گویند که به معنای، دو داماد است. این لقب از آن جهت به این دو بزرگوار داده شد که هر دو داماد پیامبر بودند.

۲- اصل حدیث را در کتاب پر ارزش اربعین نووی حدیث شماره ۲۰ ببینید.

۳- خلفاء الرسول، اثر خالد محمد خالد؛ البته در چنین تعابیری خود عدد مورد نظر نیست بلکه منظور از آن، کثرت افراد و مصداق است.

۴- علت تکرار دو بیت بالا در اینجا، به این سبب است که بیت سوم که درباره امیر المؤمنین عثمان است، با دو بیت پیشین ارتباط معنایی دارد.

برخی از فضائل امیرالمؤمنین عثمان رضی الله عنه

امیرالمؤمنین عثمان رضی الله عنه مردی خوش قیافه و زیبا، با شرم و حیای مخصوص بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ابتدا دختر خود «رقیه» را به عقد عثمان درآورد، اما رقیه هم‌زمان با جنگ بدر فوت کرد. پس از این واقعه، پیامبر صلی الله علیه و آله دختر دیگرش «ام کلثوم» را به عقد او درآورد. به همین سبب به او «عثمان ذی النورین» می‌گفتند. ام کلثوم نیز در همان زمان رسول خدا فوت کرد. آن حضرت فرمود: «اگر دختر دیگری می‌داشتم، او را به عقد عثمان درمی‌آوردم.» ام‌المؤمنین عایشه رضی الله عنها می‌گوید: «هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله ام کلثوم را به عقد عثمان درآورد، به او گفت شوهرت از همه کس به جدّت ابراهیم خلیل و به پدرت محمد شبیه‌تر است.»

او انسانی بسیار مهربان و دارای فضیلت‌های انسانی بود. امیرالمؤمنین عثمان رضی الله عنه که مردی تاجریشه و ثروتمند بود، در چندین مرحله اموال و دارایی خود را در راه خدا و پیشبرد اهداف مقدس اسلام به مصرف رساند؛ از جمله: پرداخت هزینه‌های ساز و برگ جنگی سپاهیان اسلام در جنگ تبوک، خریداری چاه آب رومه و تعمیر آن و نیز وقف آن چاه برای مسلمانان و توزیع گندم‌های کاروان تجاری خود در یک سال قحطی در میان فقرای مدینه. امیرالمؤمنین عثمان رضی الله عنه، نامه‌های رسول خدا را می‌نوشت.

درس آموزی

۱- حیا و بخشنده‌گی، دو صفت بارز امیرالمؤمنین عثمان بود. این دو ویژگی در ارتباطات خانوادگی و اجتماعی چه تأثیرات مهمی را می‌گذارند؟

۴- امیرالمؤمنین علی مرتضی رضی الله عنه

برای شناخت شخصیت او کافی است بدانید که پیامبر صلی الله علیه و آله برای شجاعتش به او لقب «أَسَدُ اللَّهِ»، برای اعلام رضایت از او به وی لقب «مرتضی» و برای توصیف خاکی بودنش واژه «ابوتراب» را برگزید. علی مرتضی ده سال قبل از بعثت، در مکه معظمه چشم به جهان گشود و از همان کودکی پرورده‌خانه نور و ایمان شد. ده ساله بود که با فهم مردانه‌ای به پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله ایمان آورد. جوانی خود را در زیر سایه درخت ایمان سپری کرد و نمونه‌ای از علم و ایمان و تقوا شد. او در کنار این ویژگی‌ها، شجاع و سخنور و شوخ طبع بود.

پس از شهادت امیرالمؤمنین عثمان رضی الله عنه، مردم از مهاجر و انصار اجتماع کردند و به علی مرتضی رضی الله عنه پیشنهاد بیعت دادند. آن بزرگوار از پذیرش منصب خلافت سر باز زد، اما مسلمانان دست برنداشتند و با اصرار و پافشاری با او بیعت کردند. در آن موقع هیچ‌کس با خلافت او مخالفت نکرد. علی مرتضی در

اولین خطبه‌اش (بعد از رسیدن به خلافت)، روش خویش را ترسیم کرد و دفاع از اموال عمومی و مساوات و برابری را همچون یاران قبلی‌اش هدف خود اعلام نمود.

باز هم دل‌مردگان شب‌پرست توانستند چهارمین خلیفه و خورشید تابان پرورده وحی را تحمل کنند. این بود که در اقدامی بی‌رحمانه، با شهید کردن امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) امت اسلامی را داغدار کردند و به این ترتیب، ابوتراب متواضع در تراب جای گرفت. «ضرار»، از دوستان علی مرتضی (علیه السلام)، درباره ایشان می‌گوید: «شبی تاریک او را تعقیب می‌کردم. به مسجد رفت و در محراب جای گرفت. شنیدم که به شکلی سوزناک دعا می‌کرد و در لابه‌لای دعایش، خطاب به دنیا می‌گفت: ای دنیا، دیگران را فریب بده! تو عمرت کوتاه است و فریبت گسترده و زیاده!»

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) همان بود که رسول‌الله (صلی الله علیه و آله) او را در مناسبت‌های مختلف می‌ستود. به قول فردوسی حماسه سرای:

چهارم علی بود، جفتِ بتول که او را به خوبی ستاید رسول

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) مردی با کمالات متعدد بود، در عین عالم بودن، متواضع، جدی در تقوا و عدالت و در عین حال خوش سخن و اهل طنز ادیبانه، مردمی و خدایی و در همان حال، مأنوس با نماز شب بود. وی ضمن بیزار بودن از دنیاطلبی با دنیای مردم آشنایی داشت و خلاصه به قول عبدالرحمن جامی:

این علی در کمال خلق و سیر عین بوبکر بود و عین عمر

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در طول خلافتش سختی‌ها دید و همچون امیرالمؤمنین عثمان (رضی الله عنه)، مظلومانه شهید شد. ابوبکر صدیق، عمر فاروق، عثمان ذی‌التورین و علی مرتضی (علیه السلام) راه پاک پیامبر رحمت را پیمودند تا مردم در سراسر محدوده خلافت اسلامی در رفاه مادی و با تربیت ایمانی زندگی کنند و پرچم پرافتخار اسلام را با مجاهدت‌های مخلصانه خود به اهتزاز در آورند.

بیشتر بدانیم

برخی از اقدامات امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)

- ۱- مبارزه با فتنه و آشوب‌های داخلی و تحکیم ارکان حکومت اسلامی و خاموش کردن آشوبی که در پایان خلافت امیرالمؤمنین عثمان (رضی الله عنه) پیش آمده بود.
- ۲- مبارزه با اندیشه‌ها و گروه‌های افراطی، مانند خوارج و آگاه کردن مردم از خطرات آنها (البته و متأسفانه بالاخره به وسیله همین گروه افراطی و کوتاه‌فکر به شهادت رسید).

۳- ایراد خطبه‌ها و نوشتن نامه‌هایی حاوی معارف اسلامی، شیوه حکومت‌داری و اخلاق والای انسانی که هم‌اکنون به‌عنوان گنجینه‌ای در اختیار بشریت است. او در عهدنامه‌اش با مالک اشتر نخعی که در هنگام تعیین وی به‌عنوان حاکم مصر نوشته است، عالی‌ترین شیوه کشورداری را آموزش می‌دهد که هنوز هم نظیر ندارد. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) ۵۸۶ حدیث از پیامبر نقل کرده است.

درس آموزی

به نظر شما، کدام یک از ویژگی‌های امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در جامعه امروز کم‌رنگ شده است و مردم به آن نیاز مبرمی دارند؟

۵- امیرالمؤمنین حسن (علیه السلام)

امیرالمؤمنین حسن (علیه السلام)، فرزند ارشد امیرالمؤمنین علی مرتضی و فاطمه زهرا (علیهما السلام) است. او به پیامبر (صلی الله علیه و آله) بسیار شبیه بود و پیامبر (صلی الله علیه و آله) او را به حدی دوست می‌داشت که درباره‌اش فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَحِبُّهُ فَأَحِبَّهُ وَأَحِبَّ مَنْ يُحِبُّهُ.» «پروردگارا من او را دوست دارم، تو هم او را دوست بدار و هر کس را که دوستش دارد، دوست بدار.»^۱

پس از شهادت عارفانه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، مردم با فرزند بردبارش، حسن (علیه السلام)، بیعت کردند. حسن (علیه السلام) پرورش یافته خانه ایمان بود. او مناجات و دعاها و مخلصانه مادرش برای دیگران را شنیده و به سخنرانی‌های نغز و پر مغز پدر بارها گوش داده بود. همچنین دلسوزی و خیرخواهی بزرگان صحابه را در حق پدرش بارها مشاهده کرده بود و می‌دانست دین جش چقدر با تفرقه سرناسازگاری دارد و آن را بر نمی‌تابد؛ لذا شخصیتی کامل پیدا کرد. پدرش از طرفی عابد محراب و از طرف دیگر، زاهد دنیا و خادم خانه بود. مردم سجده‌های طولانی او را بارها و بارها دیده بودند. حسن (علیه السلام) مردی اهل صفا و وفا بود و بنابر نقل‌های صحیح و متعدد تواریخ^۲ و به نقل نزدیکانش در طول عمر با برکت خود سه بار عمده اموالش را در راه خدا بخشید. این شخصیت مجتهد، با تقوا و سخاوتمند برای جلوگیری از اختلاف مسلمانان طی اقدامی صلح طلبانه منصب خلافت را رها کرد و مانند پدر شهیدش به کاروان شهدا پیوست. با شهادت ایشان، چراغ فروزان خلافت

۱- حدیث صحیح است؛ صحیح بخاری ۲۱۲۲ و ۵۸۸۴، صحیح مسلم ۲۴۲۱، سنن ابن ماجه ۱۴۲، مسند احمد ۹۸۷۳.

۲- المرتضی، سیدابوالحسن علی حسینی ندوی (سیره و زندگی جامع تحقیقی و تألیفی اسوه تقوی و عدالت حضرت علی مرتضی)، چاپ اول مرکز انتشارات فاروق اعظم زاهدان، پاییز ۱۳۸۵.

درس آموزی

با توجه به صفت نرم خویی و ملاطفت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، بنویسید که در تعامل با گروه‌های مختلف مردمی، این صفت چه تأثیرات مطلوبی به جا می‌گذارد.

پاسخ به سؤالات شما

- ۱- چرا خلفای راشدین با وجود امکان خوش گذرانی، زندگی ساده را برگزیدند؟
چون آنها زهد را برای حکام امری واجب می‌دانستند. از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نقل شده که خداوند بر حاکمان امت اسلامی واجب کرده است که معیشت خود را در حد پایین‌ترین مردم در نظر بگیرند.
- ۲- چرا اقتدار خلفای راشدین آنها را از حق‌طلبی و عدالت‌گستری خارج نکرد؟
به علت ایمان و تقوا و درس‌های انسان‌سازی که از مکتب عدالت پرور کتاب و سنت عملاً فراگرفته بودند.

اندیشه و تحقیق

- ۱- با دقت در سیره خلفای راشدین، ویژگی‌های مشترک این خلفا را بیابید و درباره هر کدام دو سطر توضیح دهید.
- ۲- با دقت در سیره خلفای راشدین، نقش مردم را در خلافت هر یک از این خلفا تحلیل کنید.
- ۳- درباره نحوه تعامل خلفای راشدین با هم تحقیق کنید. (دانش‌آموزان عزیز برای تحقیق بیشتر در این باره می‌توانند به دو کتاب شیخین و صهرین اثر سیدعبدالرحیم خطیب، مراجعه کنند.)

۱- شهادت حسن بن علی در بسیاری از منابع اسلامی ذکر شده و مشهور است که آن بزرگوار مسموم شده است؛ از جمله این منابع می‌توان به منابع زیر اشاره کرد:

الاصابه ۷۳/۲ تألیف ابن حجر، تهذیب التهذیب ۱۲۷/۸، سیر اعلام النبلاء ۲۷۴/۳، اسد الغابة ۱۳/۲، البدایه و النهایه ۲۰۸/۱۱. اما در اینکه چه کسی به این کار اقدام کرده، سند و دلیل درستی در دست نیست. البته برخی از اهل علم معتقدند که آن پیشوای بزرگوار مسموم نشده و به مرگ طبیعی از دنیا رفته است.

﴿٢٣﴾ وَأُدْخِلَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ

تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ

فِيهَا سَلَامٌ ﴿٢٤﴾ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً

كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ ﴿٢٥﴾

تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ

لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٦﴾ وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ

كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ

﴿٢٧﴾ يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ

﴿٢٨﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَآحَلُّوا

قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ ﴿٢٩﴾ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ ﴿٣٠﴾

﴿۲۲﴾ و کسانی را که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، به باغ‌های بهشتی وارد می‌کنند؛ باغ‌هایی که نه‌رها از پای درختانش جاری است؛ به اذن پروردگارشان، جاودانه در آن می‌مانند؛ و تحیت آنها در آن، «سلام» است. ﴿۲۳﴾

آیا ندیدی چگونه خداوند «کلمه طیبه» (و گفتار پاکیزه) را به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرده که ریشه آن (در زمین) ثابت، و شاخه آن در آسمان است؟! ﴿۲۴﴾

هر زمان میوه خود را به اذن پروردگارش می‌دهد. و خداوند برای مردم مثل‌ها می‌زند، شاید متذکر شوند (و پند گیرند). ﴿۲۵﴾

و «کلمه خبیثه» (و سخن ناپاک) را به درخت ناپاکی تشبیه کرده که از زمین ریشه کن شده، و قرار و ثباتی ندارد. ﴿۲۶﴾

خداوند کسانی را که ایمان آوردند، به سبب گفتار و اعتقاد استوار در این جهان، و در سرای دیگر، ثابت قدم می‌دارد؛ و ستمکاران را گمراه می‌سازد، (و لطف خود را از آنها به سبب اعمالشان برمی‌گیرد)؛ و خداوند هر چه را اراده کند انجام می‌دهد. ﴿۲۷﴾

آیا ندیدی کسانی را که (شکر) نعمت خدا را به کفران تبدیل کردند، و قوم خود را به سرای نیستی و نابودی کشاندند؟! ﴿۲۸﴾

(سرای نیستی و نابودی، همان) دوزخ است که آنها در آتش آن وارد می‌شوند؛ و چه بد قرارگاهی است! ﴿۲۹﴾

درس چهارم گستره و انشعابات علوم اسلامی پس از خلفای راشدین

در درس‌های پیشین دربارهٔ خلافت^۱ و حاکمان اسلامی سخن گفتیم. در آنجا از پیشوایانی نام بردیم که از اقتدار خود نهایت استفاده را کردند تا مردم را به رستگاری دنیوی و اخروی برسانند؛ در دنیا عدالت را برقرار کنند و نگذارند دیو فقر به خانه‌های مردم سرک بکشد؛ در زمینهٔ علم کوشا باشند و در مجال فعالیت‌های خود شب و روز با تأمل فکری و قلبی بسیار، رفاه مادی دسته‌ها و آحاد مردم را تأمین و نیازهای معنوی آنان را برطرف کنند. این ادامه داشت تا اینکه در پی انحراف حکومت امویان نوهٔ پیامبر، حسین بن علی علیه السلام، وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را به عهده گرفت که این امر در نهایت منجر به شهادت او و یاران و اسارت خانواده‌اش شد. با به اتمام رسیدن کار نظام شورایی و خلافت و عدم توجه به اصل اساسی شورا، وضعیت جدیدی در دنیای اسلام پدید آمد. سرزمین‌های اسلامی (در این مقطع از زمان) گسترش یافتند و تعدد قومیت‌ها و ملیت‌ها (که در محدودهٔ حکومت

۱- بنابر حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله الخلافة فی أمتی ثلاثون سنة ثم ملک بعد ذلک، حدیث صحیح است؛ - سنن ترمذی ۲۲۲۶؛ مسند احمد ۲۱۹۲۳ و ۲۱۹۲۴؛ سنن ابی داود ۴۶۴۶ و ۴۶۴۷؛ مسند احمد ۲۱۹۲۳ و ۲۱۹۲۴؛ (البته این مفهوم با الفاظ دیگری هم از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل شده است). جالب است بدانید که رسول خدا در این کلامشان از حکومت شورایی با لفظ خلافت یاد کرده‌اند و ۳۰ سال کامل با احتساب ۶ ماه خلافت امام حسن علیه السلام کامل می‌شود.

مسلمانان بودند) موجب مسائل جدیدی شد. آری، وجود این قومیت‌ها و ملیت‌های گوناگون در حجاز، یمن، عراق، مصر، ایران، هند، آفریقا و حتی بخش‌هایی از اروپا به ظهور مسائل جدید سیاسی، اعتقادی و فقهی منجر گردید و این امر مسئله پاسخ‌گویی به این مسائل را ضروری و حتمی نمود. البته باید بدانیم که گستردگی مفاهیم اسلامی که باعث علاقه بیشتر مسلمانان به مطالعه و بررسی علوم (به‌ویژه علوم دینشان) می‌شد، قبل از گستره وسیع قومی و جمعیتی مسلمانان دلیل اصلی گسترش علوم اسلامی بود.

وضعیت علمی و عقیدتی و فقهی بعد از خلفای راشدین

حرکت علمی مسلمانان در زمینه‌های مختلف دینی و حتی علوم تجربی و ادبی ادامه یافت. البته حرکت‌های اصلاحی و سیاسی هم در گستره سرزمین‌ها شکل گرفتند که حاصل این فعالیت‌های عقیدتی، فقهی و سیاسی ایجاد جماعت‌های سیاسی و مذاهب عقیدتی و فقهی بودند. پس از این تحولات، علوم اسلامی تدوین شد و مسلمانان دانش دیگر ملت‌ها را نیز به زبان علمی آن زمان (عربی) ترجمه کردند و بیشتر از ترجمه علوم، آنها را بسط و گسترش دادند. فلسفه یونان ترجمه گردید و نقدها و شروح مختلفی بر گفته‌های فیلسوفان یونان نوشته شد. علوم اسلامی هم در آن دوره کم‌کم از حالت پراکندگی بیرون آمد و بزرگانی از علمای اسلامی آنها را تدوین، تقسیم و تشریح کردند. فقه یکی از این علوم است.

بیشتر بدانیم

در این سال‌ها، به تدریج در جامعه گرایش‌های مختلف و دستجات گوناگونی به وجود آمدند؛ به گونه‌ای که فعالیت‌های علمی و عملی مسلمانان، به احزاب و مذاهبی به شرح زیر منجر شد:

۱- گروه‌ها و احزاب سیاسی که بیشتر برای رسیدن به قدرت و حکومت با یکدیگر و یا با حکومت در رقابت بودند.

۲- مذاهب کلامی که در مسائل اعتقادی و فکری با یکدیگر اختلاف داشتند و برای حل مسائل اعتقادی، نظرات خاصی ارائه می‌کردند.

۳- مذاهب فقهی که برای به‌دست آوردن احکام شرعی، روش‌های خاصی داشتند و مخاطبان، یکی از این مذاهب را انتخاب می‌کردند.

توجه به این نکته لازم است که گرایش‌های عقیدتی، فقهی، سیاسی و تربیتی به گونه‌ای جدی ریشه در شاخه‌های معرفتی و تربیتی و بینشی اسلام دارند. برای فهم دقیق آنچه گفته شد، به آیات ۲۴ و ۲۵ سوره ابراهیم که در ابتدای درس آمده است، توجه کنید.

در این دو آیه (بنا به آنچه در خود آیه و تفاسیر معتبر آمده است) درخت ایمان و اسلام به درخت نخل تشبیه شده که ریشه این درخت پاک دلیل‌های عقلی و نقلی آن است، تنه‌اش عقاید، شاخه‌هایش فقه و احکام، میوه‌اش اخلاق و جمال و زیبایش، بصیرت است.

بنابراین آیات، مجموعه چهارگانه درخت دین اسلام عبات اند از :

۱- عقاید

همان‌طور که گفته شد، تنه درخت دین اسلام عقاید است. عقیده از ریشه عقد است به معنی گره؛ یعنی باوری که با روح انسان گره بسته است. براساس بسیاری از آیات قرآن و احادیث نبوی، اساسی‌ترین عقیده مسلمانان ایمان به توحید، معاد و نبوت است. این اعتقاد باید مانند تنه درخت خرما محکم و راسخ باشد و بادهای مخالف هیچ تأثیری بر آن نداشته باشند. این تنه محکم باید ستونی برای فروع درخت دین باشد. بیشترین رنج پیامبر اسلام در دوره مکی تثبیت اصول اعتقادات در فکر و قلب مخاطبانش بود. آنها در این دوره آماده شدند که کم‌کم در مدینه با مسائل فقهی و اخلاقی به‌عنوان شاخه‌های درخت دین آشنا شوند و آنها را در زندگی فردی و اجتماعی خود عملی کنند.

۲- فقه و احکام

شاخه‌های درخت دین اسلام (فرع) فقه اسلامی است. صلاة (نماز)، صیام (روزه)، زکات، حج و جهاد و به صورت تکمیلی احکام خانواده، فقه داد و ستد، کشورداری، ارتباط با دیگر کشورها و... همه و همه شاخه‌های این درخت پاکیزه‌اند. بیشتر آیات احکام در دوره مدنی نازل شدند. مسلمانان کم‌کم خود را با احکام تطبیق دادند و آنها را در زندگی عملی خود اجرا کردند.

۳- آداب و اخلاق

میوه درخت دین اسلام و ایمان، آداب و اخلاق است. همان‌گونه که درخت بی‌ثمر فایده‌چندانی ندارد، دین بی‌اخلاق نیز فاقد جاذبه و تأثیرگذاری در خور توجه است. نظافت شخصی، جذابیت ظاهر، خوش خلقی، صداقت، وفاداری، احترام به همگان، ملاطفت و نرم‌خویی و گذشت از خطای دیگران و

جبران نیکی‌های آنها، همه و همه میوه‌های شجره طیبه دین هستند. اهمیت و جایگاه میوه اخلاق به حدی است که برخی از علمای اسلامی معتقدند که تبلیغ دین با تندخویی و بی اخلاقی مانند عرضه خوراکی‌ها در ظرف‌های کثیف و غیر بهداشتی است که برای مخاطب جاذبه‌ای ندارد؛ ضمن اینکه کل نظام درخت دین زمانی جذاب است که اخلاق نیکو در فرد مسلمان و جامعه دینی هویدا باشد.

۴- بصیرت

علمای اسلامی به نظم و ترتیب درخت دین اسلام و جایگاه هر کدام از اجزای دین در جای شایسته‌اش بصیرت می‌گویند. برای احیای دوباره دین در دل‌های افراد جامعه باید به بصیرت توجه کرد. ابتدا باید ریشه‌های درخت و تنه‌اش را ثابت کرد و بعد، فروع دین را بر این تنه محکم و مبارک قرار داد. سپس، میوه شیرین دین را جزء جدایی‌ناپذیر آن معرفی کرد و آن را بارور ساخت. عالمان باید هر کدام از این موارد را همراه با ریشه‌اش (یعنی ادله عقلی و نقلی) به خوبی معرفی کنند و به گونه‌ای صحیح همگان را به آن دعوت نمایند. حاکمان هم باید زمینه‌های وجودی دین را در فرد و جامعه ایجاد کنند و تک تک مسلمانان موظف‌اند درختی محکم، زیبا و پر ثمر را با مشخصات یاد شده در درون و ظاهر خویش ایجاد نمایند.

تدبّر در آیات

با تدبّر در آیات ۲۴ و ۲۵ سوره ابراهیم، چه پیام‌های مهمی می‌توان برداشت کرد؟

اندیشه و تحقیق

۱- تحولات علوم اسلامی بعد از خلفای راشدین و نتایج مثبت و منفی آنها را تحلیل کنید.

۲- تبلیغ دین بدون رعایت موازین اخلاقی، چه نتایج بدی دارد؟

وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِّفُوا **حَتَّىٰ** إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ
بِمَا رَحَّبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمُ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ
مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا ^ع إِنَّ اللَّهَ هُوَ
التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١١٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا
مَعَ الصَّادِقِينَ ﴿١١٩﴾ مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ
مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَن رَّسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا
بِأَنْفُسِهِمْ عَن نَفْسِهِ ^ع ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ
وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطْئُونَ مَوْطِئًا
يَغِظُ الْكُفَّارَ وَلَا يِنَالُونَ مِنَ عَدُوٍّ نِيلاً إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ
بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ ^ع إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجَرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٢٠﴾
وَلَا يَنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ
وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا
يَعْمَلُونَ ﴿١٢١﴾ وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً
فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ
وَلِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ ﴿١٢٢﴾

و (همچنین) آن سه نفر که (از شرکت در جنگ تبوک) تخلف جستند، (و مسلمانان با آنان قطع رابطه نمودند)، تا آنجا که زمین با همه وسعتش بر آنها تنگ شد؛ (حتی) در وجود خویش، جایی برای خود نمی‌یافتند؛ (و) دانستند پناهگاهی در برابر عذاب خدا جز رفتن به سوی او نیست؛ سپس خدا رحمتش را شامل حال آنها نمود، (و به آنان توفیق داد) تا توبه کنند؛ زیرا خداوند بسیار توبه‌پذیر و مهربان است. ﴿۱۱۸﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حضور خدا مراقب رفتارتان باشید و با صادقان و راستگویان باشید. ﴿۱۱۹﴾

سزاوار نیست که اهل مدینه و کسانی از اعراب بادیه‌نشین که اطراف آنها هستند، از پیامبر خدا جدا شوند؛ و برای حفظ جان خویش، از جان او چشم‌پوشند، زیرا هیچ‌گونه تشنگی و خستگی و گرسنگی در راه خدا به آنها نمی‌رسد و هیچ گامی که موجب خشم کافران می‌شود برنمی‌دارند و ضربه‌ای از دشمن نمی‌خورند، مگر اینکه به‌خاطر آن، عمل صالحی برای آنها نوشته می‌شود؛ زیرا خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند. ﴿۱۲۰﴾

و هیچ مال کوچک یا بزرگی را (در این راه) صرف نمی‌کنند، و هیچ سرزمینی را (به سوی میدان جهاد و یا در بازگشت) نمی‌پیمایند، جز اینکه برای آنها نوشته می‌شود؛ تا خداوند آن را به‌عنوان بهترین اعمالشان، پاداش دهد. ﴿۱۲۱﴾

و شایسته نیست مؤمنان همگی (به سوی میدان جهاد) کوچ کنند؛ چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند (تا طایفه‌ای در مدینه بماند) که در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و به‌هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آنها را بیم دهند؟! شاید (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند و خودداری کنند! ﴿۱۲۲﴾



درس پنجم

احکام و فقه اسلامی



در درس پیش گفتیم که یکی از اجزای شجره طیبه اسلام، فقه است. دین داری و دین گستری براساس دین فهمی، از ضروریات حتمی و حیاتی زندگی به شمار می آید. اسلام شناسی غذای روح و شکل دهنده فکر انسان است و پایه دین اسلام اعتقادات پاک اسلامی یعنی توحید، معاد و نبوت است. از چندین آیه از آیات سوره هود به روشنی استنباط می شود تمام پیامبران مردم را به داشتن ایمان راسخ به توحید و معاد دعوت می کرده اند. به قول امام کاظم علیه السلام دنیای بی خدا کشتی سرگردانی است در اقیانوس بی پایان. فرد غیرموحد، فردی بریده از خالق، مالک و گرداننده هستی است؛ بنابراین، زمام وجودش از هم گسیخته است و شیطان و شیاطین و هوای نفس می توانند او را به هر جهتی که بخواهند، ببرند. نگاهی به تاریخ اسلام به خوبی نشان می دهد که چگونه پیامبر با دعوت مخلصانه، پاک و بصیرتمندانه خود در مکه توانست مردم را از شرک و بی خدایی نجات دهد و موحد و مطیع فرمان پاک خداوند کند. او با دعوت به قیامت (و به خصوص بهشت) و رعایت احکام اسلامی یارانش را با زندگی سالم و پاک و ابدی آشنا کرد و با این کار به حیات گذرا و پراز درد و گناه انسان ها معنا و مفهوم بخشید. باید بگویم که با ایمان به معاد هیچ کس پوچ گرا نمی شود. دوران زندگی مسلمانان در مکه گرچه پراز درد و رنج بود و مشرکان از هرگونه آزاری در حق مؤمنان دریغ نمی کردند، اما در همین دوران، ایمان به توحید و قیامت و رعایت احکام اسلامی

در مردان و زنان مسلمان شکوفا شد؛ به طوری که نام آنان در تاریخ بشریت برای همیشه می درخشد. آنها با الگو گرفتن از پیامبر رحمت، برای خود زندگی‌هایی سرشار از معنا و معطر به عطر ایمان ساختند. امروزه اگر بعضی از مسلمانان از مفهوم عبادت و اخلاق دورند، این امر ریشه در دوری آنان از اعتقادات پاک ایمانی دارد. کسی که بدون هیچ دلیلی اهل نماز نیست، به روزه و رمضان بی‌اعتناست، زکات نمی‌دهد، می‌تواند حج به‌جا آورد ولی از آن غافل است، به این دلیل است که پایه‌های اعتقادی محکم ندارد و از اسلام و دین فقط پوسته‌ای را شناخته که از مغز توحید و قیامت تهی است.^۱ آری، مسلمانانی که تا حدودی متعهد به انجام دادن عبادات‌اند، اما از اخلاق و صفات ایمانی به دورند، مشکیشان این است که در معرفت دینی نقص دارند و اعتقاداتشان سطحی و غیر محکم است.

هر که در او جوهر دانایی است بر همه چیزش توانایی است^۲

بررسی فقه و جایگاه آن به ما می‌آموزد که با رعایت احترام به مذهب فقهی یکدیگر، در جست‌وجوی حق و رسیدن به سنت پاک پیامبرمان باشیم. اختلاف فهم در هر زمینه علمی و معرفتی کاملاً طبیعی است و به‌طور خاص، اختلاف برخاسته از مراجعه ما به متون دینی و فهم ما از آنهاست.

تعریف فقه اسلامی

واژه فقه به معنای فهم عمیق و تیزهوشی است و تَفَقُّه در دین یعنی فهم دقیق دینی. علمای اسلام از فقه تعریف‌های گوناگونی ارائه داده‌اند. امام اعظم ابوحنیفه رحمته الله، فقه را «شناخت آنچه برای وجود انسان مفید یا مضر است» تعریف کرده است. امام شافعی رحمته الله فقه را «علم به احکام شرعی عملی» می‌داند که از دلیل‌های شرعی گرفته شده است.

احکام زمینه‌های متفاوتی دارد. برای درک صحیح احکام شرعی عملی مثالی از حج می‌آوریم. رعایت قوانین مربوط به سفر هوایی، آداب و رسوم مربوط به فرودگاه و خروج از کشور و... احکام قانونی این سفر مبارک است. بردن قرص و دارو برای کسانی که بیمارند و دوری از خوردن و آشامیدن بعضی چیزهایی که سلامت حاجی را به خطر می‌اندازد، احکام بهداشتی حج است و... اما اینکه طواف کعبه چند دور است و از طرف راست یا چپ انجام می‌شود و...، از احکام شرعی عملی حج است و فقه به چنین مسائلی می‌پردازد؛^۳ بنابراین، موضوع فقه، افعال و اعمال شرعی مکلفان است.^۴

۱- جا داشت که در این کتاب بیشتر از این مختصر، درباره مسئله عقاید و قیَم سخن گفته می‌شد اما چون کتاب دین و زندگی به این امر مهم پرداخته است، به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

۲- نظامی گنجوی، مخزن الاسرار ۳- الفقه الاسلامی و ادلته، جلد اول، ص ۳۳

۴- مکلف به فرد بالغ، عاقل و مختاری می‌گویند که تکالیف شرعی، به اعمال او مرتبط است؛ یعنی برخی از اعمالش بر اساس شریعت اسلامی، واجب و برخی مستحب، برخی حرام و برخی مکروه و بعضی مباح است.

ویژگی های فقه اسلامی

فقه اسلامی، به عنوان بخش عملی اسلام، براساس قرآن و سنت و سایر دلایل شرعی بنا شده است و با بخش اعتقادی اسلام ارتباطی مستقیم دارد. به این معنی که مکلف خود را به آن پایبند می داند؛ چون به ریشه و اساس آن، که ایمان به توحید و قیامت و رسالت است، اعتقاد دارد و علت اینکه می بینیم همیشه در قرآن و سنت اعمال فقهی به ایمان مرتبط شده، همین است؛ مثلاً مکلف روزه می گیرد؛ چون مؤمن است^۱ و خدایش فرموده :

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! روزه بر شما واجب شده است.»^۲

بنابراین تعهد فقهی در اصل تعهدی مبتنی بر اعتقادات فقهی است. فردی که زکات می دهد و در پرداخت آن آداب و شرایط و محدوده ای را رعایت می کند، به گونه ای نشان می دهد که با اصل و ریشه دین در ارتباط است و هرچه این ارتباط آگاهانه و مخلصانه تر باشد، دین داری فرد، زیباتر و پرثمرتر است.

تفاوت فقه اسلامی و قوانین بشری

فقه اسلامی با قوانین بشری که ساخته و پرداخته ذهن انسان هاست، تفاوت هایی اساسی دارد که در اینجا برخی از آنها را به اختصار توضیح می دهیم.

۱- اساس آن وحی و قرآن است

باید دانست که اعتبار سایر پایه های فقه (سنت و اجماع و...) هم مبتنی بر قرآن است. منشأ وحیانی فقه آن را در عین زمینی بودن به آسمان ها می برد؛ در حالی که قوانین بشری هر چقدر هم که مهم باشند و محترم شمرده شوند، باز بشری هستند و به وحی ربطی ندارند.

۲- ویژگی دینی دارد

در قوانین دنیوی حکم قاضی و نوع نگاه قانون گذار محدوده احکام را روشن می کند، اما در فقه اسلامی فقط حکم مستقیم خدا و پیامبر یا اجتهاد مجتهد و فقیه که مرتبط با قرآن و سنت و در ارتباط با حلال و حرام شرعی می باشد، تعهد بیشتری در مخاطب ایجاد و او را پایبند می کند و در سرنوشت اخروی او تأثیر مستقیم دارد. به عنوان مثال ابراء یکی از احکام دینی مرتبط با قرض است. در حکم

۱- الفقه الاسلامی و ادلته، جلد اول، ص ۳۲

۲- سورة بقره، آیه ۱۸۳

ابراء شخص قرض دهنده قرض را که بر فرد مقابل دارد، به خاطر رضای خدا می بخشد. حال اگر فرد ابراء کننده (بخشنده قرض)، (پس از ابراء) مدعی قرض خود شود، مفتی به حرام بودن یا پس گرفتن آن فتوا می دهد اما قاضی پس گرفتنش را روا می داند. بنابراین در دینی بودن فقه، حلال و حرام بودن اعمال مورد نظر است.

۳- پاداش و سزای دنیوی و اخروی دارد

در قوانین وضعی، مجازات و پاداش، فقط دنیوی است. یعنی برخی از کارها مثل کار کارمندان دارای پاداش هستند و برخی از اعمال مانند دزدی و اختلاس مجازات دارند، اما نکته ای که در اینجا مهم به نظر می رسد، این است که تمام خدمات و کارها همیشه معلوم و علنی نیست و گاهی از نظرها پنهان می ماند. همچنین انجام دهندگان اعمال لازم و واجب در درجه خلوص و کیفیت انجام کار با یکدیگر یکسان نیستند. در مقابل، کارهای بد نیز در بسیاری از موارد پنهانی انجام می شود و متخلفان از چنگ قانون فرار می کنند. ضمن اینکه در قوانین بشری برای آن اعمال پنهانی پاداش یا مجازاتی در نظر گرفته نشده است. اما در فقه اسلامی که قانون خدایی است تمام اعمال مکلف (آشکار و نهان)، پاداش و یا سزا دارد و در پرونده اعمال توسط فرشتگان ثبت و ضبط می گردد و هیچ عملی ضایع و تباه نمی شود و در ترازوی عدل الهی در قیامت، ارزش هر کار به طور دقیق سنجیده می شود.

۴- ماندگار و زمان شمول است

فقه اصولی دائمی دارد که تغییر ناپذیر است مثل رضایت خریدار و فروشنده در معامله، حمایت از حقوق فرد و جامعه و مبارزه با جرم و جنایت. در عین حال در فقه اسلامی مصالح عمومی و خصوصی انسان ها هم در نظر گرفته می شود و قواعد و قوانینی دارد که بر اساس شخص، زمان و مکان های مختلف می تواند تغییر کند و در نتیجه فتوا به تغییر آن داده می شود؛ مثلاً براساس موازن فقهی، حسنات (اعمال نیک) و سیئات (اعمال بد) می تواند بنا بر فرد و زمان و مکان، وزن مخصوص پیدا کند.

۵- جهان شمول است

یکی از تفاوت های بسیار مهم فقه با قوانین بشری، شمول و گستردگی فقه اسلامی است. فقه اسلامی در صدد است رابطه انسان را با خدا، مردم و جامعه، محیط زیست و آنچه در آن است (همچنین خود فرد مکلف)، اصلاح کند. فقه جز همه اینها، قانون دین و دولت است و برای تمام بشریت وضع شده و در پی خوشبختی دنیوی و بلکه ابدی برای انسان است. احکام فقه تلفیقی است از عقیده (از جهت مرتبط بودن با عقیده)، عبادت، معامله و برخورد با همگان. از طرف دیگر فقه با درون انسان مرتبط است و در عین حال ظاهر را هم در نظر دارد؛ به همین سبب، شمول و فراگیری آن بسیار وسیع تر از قوانین بشری است.

اکنون که از شمول و گستردگی فقه سخن گفته شد، لازم است این ویژگی فقه اسلامی به طور گسترده تری بررسی شود. فقه اسلامی از این زاویه به دو دسته عبادات و معاملات تقسیم می شود. در اینجا این دو دسته از احکام را به صورت مختصر شرح می دهیم و تبیین می کنیم.

۱- احکام عبادات : موضوع این بحث، رابطه انسان با خداست؛ گرچه در اکثر موارد، بخش عبادات هم بی ارتباط با انسان ها نیست.

۲- احکام معاملات : منظور از معامله در اینجا فقط خرید و فروش نیست، بلکه تعامل و ارتباط شخص با دیگران نیز هست (به شکل فردی و یا رابطه مسلمان با جامعه اسلامی و دیگر جوامع به صورت جمعی).

اصل اباحت

یکی از ویژگی های دین اسلام این است که بهره بردن از اشیا و نعمات را در اصل، روا و مباح می داند. این ویژگی موجب می شود که مسلمان در مقابل دین احساس امنیت کند و با تمام وجود معتقد شود که حرام کردن برخی امور برای دفع ضررهای جسمی و روحی آن است. دین می خواهد انسان از چیزهایی که واقعاً مفیدند، استفاده کند و از آنچه ضرر دارد، پرهیزد. باید بدانید که ممکن است گاهی دلیل حرام بودن اشیا و اعمال بر افرادی پنهان بماند. این مسئله ناشی از این است که در تحلیل حکمت اشیا، انسان ها معمولاً به عقل یا یافته های خود تکیه می کنند و چه بسا عقل فردی در میدان تشخیص مصلحت لنگ بماند.

قرآن به ما امر می کند که در استفاده از نعمت های خداوند به دو گزینه حلال بودن و پاک بودن اهمیت دهیم (حلالاً طیباً). در سورة اعراف آیه ۳۲ با پرسشی انکاری می گوید :

«قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ ...»

«ای پیامبر زشتی کار حلال و حرام کردن ناروای مشرکان را به آنها گوشزد کن و [بگو چه کسی زینت های

الهی را، که برای بندگانش آفریده و همچنین روزی های پاکیزه را حرام و ممنوع کرده است.»

بنابراین، دلی پاک و روحی بلند و عقلی سالم است که به راحتی درک می کند که خداوند با احکام حلال و حرام می خواهد انسان را کامل کند و از آفات مختلف دور نماید. علمای اسلامی در کتاب های قواعد فقه، اصل اباحت را این گونه آورده اند : الاصل فی الاشیاء الإباحة؛ یعنی رویکرد اصلی شریعت اسلامی در انتخاب نعمت ها و استفاده از آنها جایز و روا بودن است و حرام کردن امور حتماً به دلیل ضرری است که انجام دادن آنها برای فرد یا جامعه دارد.

ضرورت آشنایی با فرم و محتوا در فقه اسلامی

تمام آنچه را که اسلام نامیده می شود، می توان به دو دسته فرم و محتوا تقسیم کرد. محتوا درون مایه و اساس هر چیز است و علمای اسلامی آن را اخلاص (نیت و انگیزه) می گویند؛ مثلاً در موضوع صیام (روزه) محتوا رسیدن به تقواست. به همین جهت، قرآن هدف از فرض شدن روزه را بر مؤمنان رسیدن به تقوا ذکر می کند^۱، اما در عین حال به شکل و ظاهر هم — که علما آن را متابعت^۲ می گویند — درباره روزه تصریح دارد؛ آنجا که از حکم روزه افرادی که مریض و مسافرند سخن می گوید و به آنها امر می کند که بعد از بهبودی یا اتمام سفر، روزه خود را (در زمانی دیگر) به جا آورند. همچنین، به کسانی که به هیچ وجه توان ادای فريضه روزه را ندارند، قالب دیگری از عبادت به نام فديه (جبران مالی) را معرفی و امر می کند.^۳ در سنت پیامبر هم مسئله پرداختن به محتوا و ظاهر دیده می شود. رسول الله ﷺ همان طور که به محتوای خشوع و فروتنی در نماز عمل می کرد و مسلمانان را نیز به آن امر می نمود، به آنان فرمان می داد که ظاهر نمازشان را بر اساس ظاهر و شکل نماز خود آن بزرگوار تنظیم کنند و می فرمود: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أَصَلِّي»؛ «آن گونه نماز بخوانید که مرا در حال نماز خواندنم می بینید»؛ یعنی ظاهر نمازتان مثل ظاهر نماز من باشد. بنابراین، برخلاف گفته برخی از افراد ساده اندیش، باید به محتوای برنامه های اسلامی توجه کرد و در عین حال، به ظاهر فقهی آنها هم متعهد بود. در نماز همان گونه که خشوع را در نظر می گیریم، در عین حال، بر اساس روش پیامبر ﷺ نماز می خوانیم؛ زیرا به قول اهل علم، این توجه به محتوا و ظاهر، کمال بندگی را در انسان نشان می دهد و در عین حال، دین را از دستبرد تغییر و تحریف و تبدیل نجات می دهد و آن را آن گونه که بوده است، باقی می گذارد؛ چون تغییر و تبدیل احکام، خیانت و جسارت به خدا، پیامبر، دین و مخاطبان دین است.

اجتهاد و شرایط آن

اجتهاد در لغت به معنی تلاش و کوشش کردن است و در اصطلاح علمی، به تلاشی گفته می شود که فرد صاحب تخصص و توان دینی و فقهی، آن را انجام می دهد و هدفش کشف حکم شرعی و استنباط احکام از روی دلایل شرعی است. به کسی که دارای توان و تخصص اجتهاد باشد، «مجتهد» می گویند. مجتهد باید از پنج موضوع مهم آگاهی کامل داشته باشد:

۱- سورة بقره، آیه ۱۸۳

۲- متابعت یعنی اینکه فرم و ظاهر عمل بر اساس سنت و روش پیامبر صورت بگیرد. برای کسب اطلاعات بیشتر به شرح حدیث شماره ۲۱ اربعین نووی و تفسیر آخرین آیه سورة کهف مراجعه شود.

۳- سورة بقره، آیه ۱۸۴

۱- کتاب (قرآن)

۲- سنت (مجموعه گفتار و کردار رسول خدا ﷺ و همچنین تأییدهایی که از اعمال شرعی مسلمانان داشته است)

۳- اقوال علمای صاحب نظر و اجماع‌های صورت گرفته در تاریخ فقه

۴- تسلط کافی بر زبان و ادبیات عرب

۵- شناخت کافی از قیاس و مهارت در آن

مجتهد در نهایت باید استعداد و توانایی استنباط احکام را هم به عنوان شرطی لازم داشته باشد. این ذوق و استعداد را «شم اجتهاد» می‌گویند. مورد اخیر را بسیاری از اهل تحقیق ذکر کرده‌اند؛ زیرا فرد عالم بدون این ذوق و شم، فقط ناقل است و بیشتر از آنکه توان اجتهاد داشته باشد، کتابی گویاست.^۱ به افرادی که توان اجتهاد ندارند و برای به دست آوردن حکم مسائل شرعی باید به اجتهاد مجتهدان رجوع کنند، «مقلد» می‌گویند. بنابراین، مراجعه فرد غیر مجتهد به مجتهد برای آگاهی از حکم شرعی، تقلید نام دارد. فرد مقلد بنا به اعتمادی که به مجتهد دارد، از رأی و اجتهاد او پیروی می‌کند. پس، تقلید، گرفتن حکم شرعی مسائل اجتهادی از مجتهد و پیروی کردن مخلصانه از آن است.

منابع اجتهاد

اجتهاد کاری کارشناسانه است که باید با رجوع به منابعی موثق و مرتبط با دین صورت گیرد. این منابع مهم را منابع اجتهاد و دلایل فقهی می‌گویند. قرآن، سنت، اجماع و قیاس منابع اصلی اجتهادند و استحسان، استصحاب، مصالح مرسله، عرف، شریعت‌های سابق و مذهب صحابه، سایر منابع اجتهاد به شمار می‌روند.^۲

بیشتر بدانیم

اجماع: در اصطلاح علمای اصول، اجماع عبارت است از اتفاق و هماهنگی قولی، فعلی یا تقریری مجتهدان، درباره مسئله‌ای که به حکم آن در قرآن و سنت رسول الله ﷺ اشاره نشده باشد. اجماع سبب می‌شود:

۱- تفرقه و دودستگی در میان امت از بین برود.

۲- باب اجتهاد باز بماند و انتخاب بهترین رأی، ممکن گردد.

۳- هرگونه استبداد و دیکتاتوری و سوء استفاده از قدرت از بین برود.

۱- البته قصد از این سخن، کاستن مقام افراد ناقل نیست، بلکه هدف این است که بدانیم اجتهاد جز توان علمی، نوعی تسلط و مهارت است و قضیه در حد نقل و ذکر اقوال باقی نمی‌ماند.

۲- دبیران گرامی در صورت لزوم می‌توانند در کلاس، منابع غیر اصلی را توضیح دهند؛ اما اینجا فقط جهت اطلاع بیشتر در اینجا ذکر شده است. دانش آموزان گرامی می‌توانند برای مطالعه در این زمینه به کتب اصول فقه از جمله ترجمه فارسی «الوجیز» عبدالکریم زیدان، مراجعه کنند.

امامان اربعه اهل سنت

به امامان چهارگانه اهل سنت (در فقه و مذهب) که به باور علما و بزرگان امت، در میان ستارگان آسمان علم فقه جایگاهی بزرگ دارند، «ائمه اربعه» می‌گویند. این بزرگواران به ترتیب زمان عبارت‌اند از:

۱- نعمان بن ثابت (امام اعظم ابوحنیفه) رحمه الله پیشوای مذهب حنفی

۲- مالک ابن انس رحمه الله پیشوای مذهب مالکی

۳- محمد بن ادریس شافعی رحمه الله پیشوای مذهب شافعی

۴- احمد بن حنبل شیبانی رحمه الله پیشوای مذهب حنبلی.^۱

گفتنی است که جز این پیشوایان بزرگ، در میان امت اسلامی بزرگان دیگری هم بودند که سبک و روش فقهی خود را داشتند و امام آن روش و سبک (مذهب) به حساب می‌آمدند، اما برای رعایت مصالح، گروهی از خیر خواهان امت اعلام کردند که بهتر است به همین چهار مذهب اکتفا شود تا ضمن حفظ روش‌های فقهی مشهور، گامی مهم در جهت اتحاد اسلامی برداشته شود. در اینجا مناسب است که به علت وجود پیروان مذهب حنفی و شافعی در ایران، امامان این دو مذهب را به اختصار معرفی کنیم.

۱- امام ابوحنیفه رحمه الله

امام اعظم النعمان بن ثابت (مشهور به ابوحنیفه) در سال ۸۰ هجری در کوفه به دنیا آمد و در ۱۵۰ هجری در بغداد درگذشت.^۲ امام اعظم به تحلیل دقیق کتاب (قرآن) و سنت و توجه به اهداف و مقاصد شریعت بسیار اهمیت می‌داد و در این جهت به قیاس نیز توجه کرد.^۳ ابوحنیفه مردی باهوش و متفکری ژرف‌اندیش بود و صریح و بی‌باک سؤالات شرعی همگان را با صراحت و شجاعت با ادله فقهی جواب می‌داد و از دین خدا دفاع می‌کرد. او در بحث و مجادله تخصص داشت و منطقی سخن می‌گفت. از لحاظ شخصیت

۱- توجه داشته باشیم که در گذشته (در عصر امامان اربعه و حتی بعد از آنها) فقهای بزرگی بوده‌اند که سبک مستقل فقهی داشته‌اند، اما پس از اکتفای امت به فقهای اربعه، مذهب آن بزرگواران از میان مردم رخت برسته است؛ از جمله آن بزرگان می‌توان به سعید بن مسیب و طبری اشاره کرد.

۲- در کتب عربی نامش را «النعمان» ذکر کرده‌اند.

۳- قیاس یکی از ادله اساسی فقه اسلامی است (گرچه در بین امت، مخالفانی هم دارد). شکل قیاس این‌گونه است که به‌خاطر وجود علتی (مثل زایل کردن عقل)، حکمی (مانند حرام بودن) به انجام دادن کاری (مثل مشروب خوردن) در دلیل شرعی (مثل قرآن و سنت) داده می‌شود. قرآن نوشیدن شراب را حرام می‌داند و از آیات این کتاب آسمانی فهمیده می‌شود که علت این تحریم، مستی آور بودن آن است و حاصل مستی، زوال عقل است. حال اگر شراب به صورت شکلات عرضه شود، آنچه اهمیت دارد مستی آور بودن آن است. بنابراین، شکلات جامد با شراب مایع مقایسه می‌شود و به علت مستی‌آوری مشترک، حکم حرام بودن به شکلات مذکور داده می‌شود. این فرایند اجتهادی را قیاس می‌گویند. اهمیت قیاس را آنجا می‌توان دریافت که هنگام آمدن مواد مخدر به جوامع اسلامی، برخی از مردم استعمال آن را حرام نمی‌دانستند؛ چون معتقد بودند که در کتاب و سنت از آنها نامی برده نشده است؛ در حالی که تخدیر نوعی از انواع مستی است و این موارد را می‌توان با شراب مقایسه کرد.

ایمانی و عملی نیز بسیار ذاکر، مردمی و متواضع بود. سبک تحلیلی امام اعظم موجب شد پیشوایان مذهب حنفی در گذشته به اصول و قواعد فقه خدمات شایانی کنند. امروزه هم در مسائل دفاع از حقوق بشر و تبیین و توضیح مسائل آن، آرای فقهای حنفی در جهان اسلام حرف اول را می‌زند. از ویژگی‌های اخلاقی امام ابوحنیفه خودداری ایشان از توهین به رقبای خود و غیبت آنهاست؛ به‌طوری که اگر تمام کتاب‌های تاریخی را بررسی کنیم، حتی یک بار هم مشاهده نخواهیم کرد که ایشان زبان به دشنام، نفرین یا غیبت کردن از رقبای خود گشوده باشد. تاریخ مذاهب گویای آن است که از جانب ایشان هیچ واکنش تهاجمی نسبت به اصحاب حدیث دیده نشده است. کتاب «الآثار» از جمله آثار علمی ابوحنیفه رحمته الله است که احادیث در آن برحسب ابواب فقه مرتب شده و علامه سیوطی رحمته الله مدعی شده که حتی امام مالک در فصل‌بندی کتاب «موطأ» خویش از ابوحنیفه پیروی کرده است. ابوحنیفه مقلد پرور نبوده بلکه سعی می‌کرده که مجتهد پرور باشد و در این کار نیز، موفق بوده است؛ به همین سبب همیشه به شاگردانش سفارش می‌کرده است که تا دلایل را نپرسیده‌اند، از او پیروی نکنند. یکی از ابتکارات ایشان روتق «فقه استدلالی» میان دین‌جویان و دور کردن آنان از اندیشه تقلید محض بود. به همین دلیل، قیاس و رأی که حنفیه بدان استناد می‌کند، همراه با دلیل است و این گونه نیست که مثلاً امام ابوحنیفه بگوید این مسئله جوابش این است؛ چون من می‌گویم. نقل شده است که ایشان در طول عمرش ۵۵ مرتبه به حج رفته و مدت ۶ سال در مکه اقامت داشته و این اقامت بیانگر آگاهی ایشان از احادیث و فتاوی متداول مکه و مدینه است.^۱ پیروان مذهب امام اعظم در پاکستان، هند، بنگلادش و چندین کشور عربی و در ایران در سیستان و بلوچستان، خراسان، ترکمن صحرا (گلستان) و همچنین بخشی از استان هرمزگان و کرمان زندگی می‌کنند. ضمناً باشکوه‌ترین مدارس دینی اهل سنت ایران، به‌خصوص شعب حفظ قرآنی، در مناطق حنفی‌نشین ایران است. از امام اعظم به‌جز کتاب الآثار، کتاب‌هایی به جا مانده است که از جمله آنها می‌توان «الفقه الاکبر» را نام برد.

۲- امام شافعی رحمته الله

محمد بن ادریس الشافعی در سال ۱۵۰ هجری در فلسطین متولد شد و در سال ۲۰۴ هجری در مصر درگذشت. دو ساله بود که پدرش را از دست داد. در همان سال، مادرش او را به مکه (موطن اجدادش) برد و در آنجا پرورش علمی و ایمانی یافت؛ زبان و ادبیات عرب را آموخت و در هفت سالگی حافظ کل قرآن شد. امام شافعی نزد مسلم بن خالد، مفتی بزرگ مکه، علم دین و به‌ویژه فقه را آموخت. سپس به مدینه رفت و در محضر امام مالک تحصیلاتش را ادامه داد و نزد آن بزرگوار در علم حدیث تخصص یافت و کتاب «الموطأ» او را در مدت کوتاهی حفظ کرد. بعد از مرگ استاد بزرگش

امام مالک، به یمن و پس از مدتی به بغداد کوچ کرد و در آنجا با سبک مخصوص علمای عراق (که اهمیت مخصوصی به رأی و اجتهاد می دادند) آشنا شد و با فقهای بغداد مناظرات جذابی داشت که مورد توجه اهل علم و ذوق قرار گرفت. در بغداد امام احمد بن حنبل به خدمت امام شافعی رسید و شیفته علم، ذکاوت، ادب و تعهد او شد. سپس، در سال ۲۰۰ هجری به مصر رفت و در برخی از آرا و نظراتش (که به مذهب قدیم مشهور است) تجدید نظر کرد و آرای جدیدی ارائه داد (به این نظرات امام شافعی «رأی جدید» می گویند). آن بزرگوار سرانجام در سال ۲۰۴ هجری در مصر به ابدیت پیوست. امام شافعی انسانی وارسته، نکته سنج، ادیب، خوش قلم و سخنور بود و با تأمل سخن می گفت. هنگام سخن گفتن مطالب را شیوا و زیبا بیان می کرد و چنان می نوشت که خواننده مطالبش را از شنونده سخنانش حیران تر می ساخت.^۱ او مهارتش را در شعر و ادبیات به خدمت علوم دینی درآورد. شافعی عالمی وارسته بود و همگان او را به علم و تقوا می شناختند. فقه شافعی ضمن توجه به کتاب (قرآن) و سنت، به رأی و قیاس هم توجه زیادی دارد. در واقع، ادله عقلی و نقلی را با هم در آمیخته است. مردم مدینه در آن زمان امام شافعی را ناصر الحديث می نامیدند؛ چون پیرو این نظریه بودند که: جزء به دستوری قال الله یا قال الرسول

جز به دستوری قال الله یا قال الرسول

ره مرو، فرمان مده، حاجت مگو، حجت میار^۲

کسانی که اهل اندیشه و قیاس و رأی محور بودند اما در عین حال، نص را هم رها نمی کردند، مذهب شافعی را بر می گزیدند؛ چون می دیدند که رأی در این مذهب جایگاه مهم و ویژه ای دارد:

بی نهایت کیش ها و پیشه ها جمله ظل صورت اندیشه ها^۳

پیروان مذهب شافعی در مصر، عربستان، مالزی و همچنین در ایران در استان های بوشهر، هرمزگان، فارس، کردستان، آذربایجان شرقی و غربی و کرمانشاه و استان های شمالی ایران ساکن اند. از امام شافعی کتاب های مختلفی به جا مانده که از جمله آنها کتاب الام است.

اندیشه و تحقیق

۱- از سفرهای علمی امامان چهارگانه و ارتباط عاطفی و علمی آنها با هم، چه نتایجی می توان

گرفت؟ توضیح دهید.

۲- منظور از ابراء چیست؟

۳- منابع اصلی استنباط احکام اسلامی کدام اند؟

۴- مجتهد در فهم احکام اسلام باید از چه علوم و موضوعاتی آگاهی داشته باشد؟

۱- این تعبیر را علما برای آثار مکتوب امام شافعی به کار می برند و معنایش این است که وی زبانی شیوا و قلمی رساتر از زبان شیوایش داشته است.

۳- مثنوی معنوی، دفتر ششم

۲- سنایی غزنوی

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٠٤﴾
وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ
وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٠٥﴾ يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ
وُجُوهٌ ۚ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ
فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿١٠٦﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ
وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١٠٧﴾ تِلْكَ آيَاتُ
اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ ۖ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ ﴿١٠٨﴾
وَاللَّهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ وَ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ
الْأُمُورُ ﴿١٠٩﴾ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ
بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ
عَٰمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ ۚ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ
وَ أَكْثَرُهُمُ الْفٰسِقُونَ ﴿١١٠﴾ لَنْ يَضُرَّكُمْ إِلَّا أَذًى ۖ وَ إِن
يُقَاتِلْكُمْ يُوَلَّوْكُمْ ۚ الْأَدْبَارُ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ ﴿١١١﴾

و باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و رستگاران آنها هستند. ﴿۱۰۴﴾

و مانند کسانی نباشید که پس از آنکه نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان رسید، پراکنده شدند و اختلاف کردند و آنها عذاب عظیمی دارند. ﴿۱۰۵﴾

روزی خواهد بود که چهره‌هایی سفید و چهره‌هایی سیاه می‌گردد؛ اما آنها که صورت‌هایشان سیاه است، (به آنها گفته می‌شود:) آیا بعد از ایمان، کافر شدید؟! پس بچشید عذاب را، به سبب آنچه انکار می‌کردید! ﴿۱۰۶﴾

و اما آنها که چهره‌هایشان سفید است، در رحمت خداوند، جاودانه خواهند بود. ﴿۱۰۷﴾ اینها آیات خداست؛ که آن را به حق بر تو می‌خوانیم. و خداوند (هیچ گاه) ستمی بر (احدی از) جهانیان روا نمی‌دارد. ﴿۱۰۸﴾

و (چگونه ممکن است خدا ستم کند؟! در حالی که) آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از آن خداست؛ و همه امور، به سوی خدا باز می‌گردد. ﴿۱۰۹﴾

شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اید؛ (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب، (به چنین برنامه و آیین درخشانی)، ایمان می‌آوردند، برای آنها بهتر بود؛ (ولی تنها) کمی از آنها با ایمانند؛ و بیشتر آنها فاسقند. ﴿۱۱۰﴾

آنها [اهل کتاب] هرگز نمی‌توانند به شما زیان برسانند، جز آزارهای مختصر و اگر با شما پیکار کنند، به شما پشت خواهند کرد (و شکست می‌خورند)؛ سپس یاری نخواهند شد. ﴿۱۱۱﴾

با اندیشه در قرآن و سنت پی می‌بریم که بنای دین اسلام بر وحدت و اتحاد است. وحدت یعنی یکی بودن و اتحاد یعنی یکپارچگی. تمام مسلمانان در توحید، اعتقاد به خاتمیت رسول الله ﷺ و ایمان به قیامت وحدت نظر دارند. در آنجا هم که تفاوت نظر امری ناگزیر است (مانند مسائل فقهی و...)، اسلام به اتحاد و جمع شدن در اطراف ریسمان محکم الهی (توحید) و جنگ زدن به آن امر کرده است. باید بدانیم که تفاوت‌های فقهی هیچ‌گاه نباید مسلمانان را از هم پراکنده سازد. در عین حال، تفاوت در نظر، امری عادی و طبیعی است؛ تا جایی که به نقل از قرآن و طبق نص صریح آن، دو پیامبر در یک زمان (حتی با وجود رابطه پدر و پسر) با هم در داوری یک موضوع تفاوت نظر داشته‌اند^۱.

«وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ»^۲.

«همانا این امت شما امتی واحد است و من پروردگار شما هستم. پس، از من پروا کنید.»

۱- به آیات ۷۸ و ۷۹ سوره انبیاء بنگرید. اختلاف داود و سلیمان عليه السلام، پدر و پسری که هر دو پیامبرند و قرآن داوری هر دو را در حل یک

موضوع، خوب می‌داند اما حکم سلیمان (پسر) را بر حکم داود (پدر) ترجیح می‌دهد.

۲- سوره مؤمنون، آیه ۵۲.

در بارهٔ اتحاد در مذاهب مختلف در عین حفظ اختلافات فقهی می‌توان به تابعی^۱ بودن امام اعظم علیه السلام اشاره کرد (توجه به این نکته هم لازم است که تابعی نزد همهٔ مسلمانان جایگاهی محترم و والا دارد.) و به اینکه امام احمد بن حنبل رحمه الله شاگرد امام شافعی رحمه الله و امام شافعی هم شاگرد امام مالک رحمه الله است. این درس بزرگی برای تمامی امت است که بدانند آن بزرگان در عین تفاوت نظر در رویه و تحلیل مسائل فقهی، با یکدیگر رابطهٔ صمیمی استاد و شاگردی داشته‌اند.^۲ نام فراگیر و شاملی که قرآن برای مسلمانان انتخاب کرده، «امت» است. امت یعنی توده‌هایی از مردم که با وجود تفاوت در زبان، قومیت، آداب و رسوم، در هدفی مهم مشترک‌اند و آن هدف، همهٔ آنها را با هم جمع می‌کند. به همین سبب، می‌توان گفت امت اسلامی، در عقیدهٔ پاک اسلامی با هم یکی شده‌اند. این امت، الگویی عملی دارد که پیش‌تاز کاروان آن است و همه پشت سر او حرکت می‌کنند. اینان با این پیشوای خدایی قرار است بهترین الگوی عملی برای تمام ملت‌ها و اقوام باشند.

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا»^۳

«و این گونه شما را امتی میانه رو کردیم تا گواهانی [بر حقانیت اسلام] برای همه اقوام شوید و

پیامبر نیز بر شما گواه باشد.»

توجه کنیم که یکی از بسترهای شکل‌گیری اختلاف، غلو در دین است. قرآن با نهی غلو (خطاب به اهل کتاب)، مسلمانان را نیز از غلو در دین نهی می‌کند و در این باره می‌فرماید:

«يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ ... : اِی اهل کتاب در دین خود غلو و زیاده‌روی نکنید.»^۴

۱- وهبة الزحيلي در جلد اول «الفقه الاسلامي وادلته» تصریح می‌کند که امام اعظم تابعی است.

۲- در کتب تاریخ فقه آمده است که امام شافعی به حرمت استادش، امام مالک، تا زمان حیات استاد از ذکر برخی از آرا خودداری می‌کرد.

۳- سورة بقره، آیه ۱۴۳؛ توضیح اینکه امت وسط یعنی امتی که از افراط و تفریط دوری می‌کند و وسط یعنی امتی که فضائل و ویژگی‌هایی مثل دادگری ایمان و حسنات دارد و شهدا هم یعنی نمونه‌هایی عملی که در دنیا برای دیگران الگو هستند و در قیامت هم در دادگاه الهی گواهی می‌دهند که برای الگو بودن در حد توان تلاش و حقانیت دین را ثابت کرده‌اند.

۴- نهی از غلو در دین با عبارت «لا تغلوا» در دو جای قرآن آمده است:

اول، سورة نساء، آیه ۱۷۱؛ دوم، سورة مائده، آیه ۷۷.

غلو اهل کتب این بود که به عیسی بن مریم و عزیر شخصیت خدایی دادند و آنها را به خاطر مقام رسالت و نبوت، فرزند خدا و یا در سطح خدا دانستند.

با تدبّر در آیه مبارکه ۱۴۳ سوره بقره بگویید چه ویژگی‌هایی به امت پیامبر نسبت داده شده است؟

جایگاه امت اسلامی

طبیعتاً هر قوم و ملتی می‌تواند براساس میزان پابندی خود به آنچه دارد، از یک طرف و ارزش داشته‌اش از طرف دیگر، برای خود جایگاهی کسب کند، اما قرآن در آیه ۱۱۰ سوره آل عمران که در ابتدای درس نیز ذکر شده است، امت اسلامی را بهترین امت می‌داند.

از این آیه چندین نکته استخراج می‌شود که در اینجا به مواردی از آنها اشاره می‌کنیم.

۱- وصف امرکننده به معروف و نهی‌کننده از منکر بیانگر این است که این امت، اهل عمل است و امر به معروف و نهی از منکر زمانی در محضر خداوند پذیرفته است که انجام دهنده‌اش اهل عمل باشد.

۲- امر به معروف و نهی از منکر در صورتی تحقق پیدا می‌کند که همه مسلمانان به شکل یک امت باشند؛ یعنی حاکمیت اسلامی داشته باشند و یا کارشان گروهی، منسجم و سازمان یافته باشد.

۳- امت اسلامی امر به معروف و ناهی از منکر، عملاً امتی دلسوز و صاحب احساس و مسئولیت است.

۴- از کلمه «لِلنَّاسِ» فهمیده می‌شود که امت اسلامی خود را در مقابل همه انسان‌ها مسئول می‌داند.

۵- از واژه «لِلنَّاسِ» همچنین می‌توان فهمید که امت اسلامی که به سود همه انسان‌ها کار می‌کند و کار امر به معروف و نهی از منکر در واقع به مصلحت همگان است.

۶- در جهان امروز، فراموش کردن توحید و ایمان به زندگی ابدی، پوچ‌گرایی، دنیاپرستی و وجود اعتقادات انحرافی، دعوتگرانی دلسوز و صبور می‌طلبد که چراغی پر فروز برای زندگی برتر شوند و انسان‌ها را نجات دهند.

۱- با اندیشیدن در آیه ۱۱۰ سورة آل عمران بنویسید که در زمان ما چه رویکردی به دین، انسان‌های مؤمن را در گروه بهترین امت قرار می‌دهد؟

بصیرت و امت واحده

«قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَتُبْحَانَ اللَّهُ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ»^۱
 «(ای پیامبر) بگو: این راه من است. با بصیرت به سوی الله دعوت می‌کنم؛ هم خودم و هم تمام کسانی که از من پیروی می‌کنند [دعوت‌مان بر بصیرت و بینش است] و خداوند از هر شریکی منزّه است و من از مشرکان نیستم.»

در این آیه دعوت پیامبر و یارانش دعوتی واضح و براساس بصیرت معرفی می‌شود. بصیرت نوع نگرش صحیح به دین اسلام است. دین همچون یک درخت، به‌ترتیب ریشه، تنه، شاخه‌ها، برگ‌ها و میوه‌هایی دارد که هر کدام از این‌ها در جای خود نیکو هستند. بنابراین، هر کس در اجرای امر به معروف، درخت دین را سر و ته کند و ابتدا به فروع دین و اخلاقیات بپردازد، دعوتش قطعاً دعوت صحیحی نیست. امروزه و در این زمان حساس دوری از افراط و تفریط و انحراف از اهداف دین و پرهیز از تندخویی، خشونت، تحقیر اقوام و ملت‌ها، امری لازم و ضروری برای به‌جا آوردن امر به معروف و نهی از منکر و دعوت به اسلام است.

اتحاد امت اسلامی

اتحاد شرط اساسی برای حیات طیبه^۲ امت اسلامی است. وجود رنگ‌ها، زبان‌ها، قومیت‌ها و ملت‌های گوناگون آیه‌ای از آیات رنگین خلقت است و نباید آن را دست‌مایه نزاع و اختلاف کرد. خداوند در سورة انعام امر به اطاعت از صراط مستقیم (تنها راه رسیدن به خدا) کرده است و از تفرقه و قدم نهادن در راه‌های گوناگون گمراه‌کننده نهی کرده است.

۱- سورة یوسف، آیه ۸۰-۱۰۸.

۲- حیات طیبه اصطلاحی قرآنی است و مفهوم دقیق آن زندگی همراه با ایمان و عمل صالح و خود را فردی از مجموع عظیم امت دانستن است. زندگی ایمانی زندگی پاکی است که ایمان به توحید و ابدیت، پایه‌های آن به شمار می‌آید. در این زندگی پاک، مؤمن خود را مأموری می‌داند که می‌خواهد بهترین برخورد را با خدا و خلق خدا داشته باشد.

﴿وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ﴾^۱

«این راه را [که من آن را برایتان ترسیم و بیان کردم] راه مستقیم من است. از آن پیروی کنید و از راه‌های [باطلی که شما را از آن نهی کرده‌ام]، پیروی نکنید که شما را از راه خدا پراکنده می‌سازد.»

خداوند همهٔ مردم را به همگرایی و همسویی (امت واحده)، رعایت حقوق همدیگر، مساوات و برابری دعوت کرده است و این اصل اختصاص به اهل ایمان ندارد، بلکه در جامعه همهٔ مردم به صورت یکسان از حقوق انسانی برخوردارند. دین‌داری مراتبی دارد؛ در این مراتب، ابتدا فرد به درجهٔ «اسلام» می‌رسد و بعد از مدتی تعهد و پیشرفت، به مرحلهٔ «ایمانی» می‌رسد و پس از رشد بیشتر در اخلاص، تقوا و استقامت دینی به مرحلهٔ «احسان» می‌رسد. به دارندهٔ هر کدام از این مراتب به ترتیب «مسلم»، «مؤمن» و «محسن» می‌گویند و با توجه به این تقسیم‌بندی، به مجموعهٔ منسجم طبقات سه‌گانه یاد شده «مسلمون، مؤمنون و محسنون» گفته می‌شود. تمام آحاد و طبقات امت اسلامی باید بدانند که رهروان شاهراهی به نام «صراط مستقیم» هستند. قرآن به همهٔ رهروان این راه پر برکت امر کرده است که به ریسمان محکم الهی (توحید) جنگ زنند و متفرق نشوند و بدانند که تفرقه از شاخصه‌های جاهلیت است و با تفاوت نظر در مسائل علمی و دینی و یا تنوع زبان و فرهنگ و قومیت فرق دارد.

«وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ.»^۲

«همگی به ریسمان خداوند جنگ بزنید و از اختلاف و تفرقه بپرهیزید و از نعمت خدا [دین اسلام] بر خود یاد کنید که زمانی با یکدیگر دشمن بودید و خداوند دل‌هایتان را به هم پیوند داد و به وسیلهٔ نعمت او با هم برادر شدید و شما بر لبِ حفره‌ای از آتش بودید و خدا شما را از آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برایتان آشکار می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید.»

۱- سورة انعام، آیه ۱۵۳. آیه با ترجمه حفظ شود.

۲- سورة آل عمران، آیه ۱۰۳.

در اینجا به مهم‌ترین عوامل تقویت وحدت و همگرایی اشاره می‌کنیم :

۱- دعوت به نقاط مشترک و همزیستی مسالمت‌آمیز

نمونه‌هایی از این هم‌زیستی، پیمانی است که میان حکومت اسلامی در صدر اسلام و پیروان اهل کتاب منعقد شد. آنان پس از انعقاد پیمان از امنیت، آسایش و امکان داشتن ارتباط دوستانه با مسلمانان برخوردار شدند. قرآن کریم نسبت به اهل کتاب و دیگران در مقام همزیستی می‌فرماید :

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصْرَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۱

«کسانی که ایمان داشتند و یهودیان و مسیحیان و ستاره‌پرستان و فرشته‌پرستان هرکس به خدا و روز قیامت ایمان داشته و کردار نیک انجام داده باشد، چنین افرادی پاداششان در پیشگاه خدا محفوظ است و ترسی در آنان نیست و غم و اندوهی برایشان دست نخواهد داد.»

۲- عدم اهانت به باورها و مقدسات دیگران

اسلام دینی است بر پایهٔ عزت، کرامت و حفظ شخصیت و حیثیت انسان. براین اساس قرآن کریم احترام به باورها و مقدسات دیگران را عامل و زمینه‌ساز تعامل سازنده می‌شمارد. آنجا که می‌فرماید :

[ای مؤمنان!] به معبودها و بت‌هایی که مشرکان به‌جز خدا می‌پرستیدند، دشنام ندهید، تا آنان [مبادا خشمگین شوند] تجاوزکارانه و جاهلانه خدا را دشنام دهند. [همان‌گونه که معبودها و بت‌ها را در نظر اینان آراسته‌ایم] برای هر ملتی و گروهی کردارشان را آراسته‌ایم، سپس بازگشت‌شان به‌سوی خدایشان است و خدا آنان را از آنچه کرده‌اند آگاه می‌سازد.^۲

۱- سورة بقره، آیه ۶۲

۲- سورة انعام، آیه ۱۰۸

اهداف امت اسلامی

(الف) فلاح و رستگاری: قرآن کریم می‌فرماید: **وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ**.^۱

(ب) ترویج خیر و معروف در جهان و نابودی شر و منکر: سوره آل عمران می‌فرماید: شما بهترین امت در میان انسان‌ها هستید؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید.

(ج) استقرار دین خدا در جهان: در قرآن کریم آمده است: **هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ؛** خداست که رسول خود را با دین حق و هدایت فرستاد تا او را بر همه ادیان عالم برتری دهد.^۲

(د) استقرار حاکمیت بندگان صالح خدا در زمین: خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: **أَنَّ الْأَرْضَ يَرِيهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛** زمین را سرانجام بندگان صالح من، به ارث می‌برند.^۳

(هـ) نجات مستضعفان و محرومان: **وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ؛** و ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.^۴

عوامل اتحاد اسلامی:

۱- اتحاد عقیده؛ ۲- اتحاد در فروع دین؛ ۳- اتحاد در اصل هدایت و رهبری؛ ۴- اتحاد هدف و آرمان مشترک؛ ۵- اتحاد در فرهنگ و تمدن.

۱- سوره مائده، آیه ۳۵

۲- سوره توبه، آیه ۳۳

۳- سوره انبیاء، آیه ۱۰۵

۴- سوره قصص، آیه ۵

دربارهٔ عملکرد دین ستیزان در گذشته و عصر حاضر تحقیق کنید و سپس توضیح دهید که آنها برای تضعیف امت اسلامی و ایجاد تفرقه میان آنان چه برنامه‌هایی را دنبال می‌کنند.

- ۱- قرآن برای قبیح نشان دادن تفرقه از چه تعبیراتی استفاده می‌کند؟
- ۲- چگونه می‌توان به مراتب دین‌داری رسید؟ به ترتیب شرح دهید.

سَلِّ بَنِي إِسْرَءِيلَ كَمَا ءَاتَيْنَاهُمْ مِنْ ءَايَةٍ بَيِّنَةٍ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ
 اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢١١﴾ زُيِّنَ لِلَّذِينَ
 كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ
 اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ
 ﴿٢١٢﴾ كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ
 وَمُنذِرِينَ وَأَنزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ
 فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ
 مَا جَاءَتْهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا
 لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ
 إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٢١٣﴾ أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ
 وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ
 وَالضَّرَآءُ وَزُلْزِلُوا حَقًّا يَقُولَ الرُّسُلُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ مَقَى
 نَصْرُ اللَّهِ إِلَّا إِن نَّصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ ﴿٢١٤﴾

از بنی اسرائیل پرس: «چه اندازه نشانه‌های روشن (و نعمت‌های فراوان) به آنها دادیم؟» و کسی که نعمت خدا را، پس از آنکه به سراغش آمد، تبدیل کند (و در مسیر خلاف به کار گیرد، گرفتار عذاب خواهد شد) که خداوند سخت کیفر است. ﴿۲۱۱﴾

زندگی دنیا برای کافران زینت داده شده است؛ (از این رو) افراد با ایمان را مسخره می‌کنند؛ در حالی که پرهیزگاران در روز رستاخیز، بالاتر از آنان هستند؛ و خداوند، هر کس را بخواهد بدون حساب روزی می‌دهد. ﴿۲۱۲﴾

مردم (در آغاز) امت واحدی بودند؛ (به تدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافاتی پیدا شد؛ در این حال) خداوند، پیامبران را برانگیخت؛ تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی را، که به سوی حق دعوت می‌کرد، با آنها نازل نمود؛ تا در میان مردم، درباره آنچه اختلاف داشتند، داوری کند. تنها (گروهی از) کسانی که کتاب را دریافت داشته بودند، پس از آنکه نشانه‌های روشن به آنها رسیده بود، به سبب انحراف از حق و ستمگری، در آن اختلاف کردند. ولی خداوند، کسانی را که ایمان آورده بودند، بر حقیقت آنچه مورد اختلاف بود، به فرمان خودش، هدایت نمود؛ و خدا، هر کس را بخواهد، به راه راست هدایت می‌کند. ﴿۲۱۳﴾

آیا گمان کردید داخل بهشت می‌شوید، بی آنکه حوادثی همچون حوادث گذشتگان به شما برسد؟! همانان که سختی‌ها و زبان‌ها به آنها رسید و آن چنان بی‌قرار شدند که پیامبر و افرادی که با او ایمان آورده بودند گفتند: «پس یاری خدا کی خواهد آمد؟!» (به آنها گفته شد: آگاه باشید، یاری خدا نزدیک است! ﴿۲۱۴﴾



درس هفتم

زمینه‌های تفرقه و جدایی مسلمانان

کلمهٔ اختلاف در لغت به معنای «پشت به هم کردن» و «هر کدام راهی را رفتن» است.^۱ این معنی در قرآن علاوه بر واژهٔ اختلاف، با واژگانی مثل تنازع (کشمکش) یا جدال (حریف مقابل را به میدان کشیدن)، نزغ (فساد برانگیختن و دوبه‌هم زنی) و... نیز آمده است. مهم این است که درگیری، نزاع و مقابلهٔ انسان‌ها با هم ناپسند است و پیامدهای ناگواری دارد. این موضوع آرامش و آسایش انسان را از او سلب می‌کند و در موارد بسیاری به قتل و کشتار منجر می‌شود. چون تأمین آسایش و آرامش و حفظ جان افراد و جوامع از اهداف اساسی اسلام است، در آیات قرآنی از انواع اختلاف نهی شده است.

ریشه و منشأ اختلافات، گوناگون است و به همین سبب، اختلاف انواع متفاوتی دارد. در اینجا به چند نوع مشهورتر آن اشاره می‌کنیم و سپس آنها را به اختصار توضیح می‌دهیم.

۱- معنای دوم اختلاف، پشت سر هم آمدن است. در آیه ۱۹۰ سورهٔ آل عمران پشت سر هم آمدن شب و روز «اختلاف اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ» نامیده شده است. معنای سوم اختلاف، کشمکش و نزاع است، در آیه ۱۰ سورهٔ شوریٰ واژهٔ اختلاف در قالب فعل ماضی به همین معنا آمده است: «وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ»؛ «شما در هر موردی که با هم نزاع کنید، باید داوری و حکمش را به خدا ارجاع دهید.»

۱- اختلاف شیطانی

از چندین آیه قرآن درمی یابیم که شیطان با جانبداری از فقر، فحشا، شراب، قمار، تقویت حس حسادت، ایجاد کینه، ترغیب انسان ها به حرف زشت زدن، نزاع و کشمکش، آنها را تحریک می کند. قرآن در آیه ۵۳ سوره اسراء می فرماید :

«وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا»

«به بندگانم بگو به بهترین وجه با هم سخن بگویند. قطعاً شیطان در بینشان فساد و تباهی و اختلاف

ایجاد می کند. شکی نیست که شیطان دشمن آشکار انسان است.»

قرآن در این آیه، کار شیطان را نزع می نامد و نزع (همان گونه که در تفاسیر و کتاب های لغت آمده) به معنی دو به هم زنی و ایجاد فساد است. راه حل برخورد با اختلاف شیطانی، بی توجهی به وسوسه های شیطان و مقابله با او با توسل به اندیشه، همت و تکلف عملی است. تکلف عملی این است که انسان خود را به مخالفت عملی با وساوس شیطانی وادارد و برخلاف میل شیطان عمل کند و با بندگان خدا به بهترین وجه سخن بگوید.

تدبیر در آیه

۱- با تدبیر در آیه مبارکه ۵۳ سوره اسراء بگویند دشمن مشترک و آشکار انسان ها کیست؟ (با

هم گروهی های خود درباره راه های دشمنی او با انسان ها تحقیق کنید.)

۲- قرآن راه نجات از نزع و فساد و اختلاف را چه می داند؟

۲- اختلاف به شیوه حاکمان ستمگر (اختلاف فرعونی)

اختلاف فرعونی حاصل تسلط فرعونیان بر سرنوشت و جان و مال مردم است. سیاست و روش فرعونیان این است که انسان ها را به دو دسته شهروند درجه یک و شهروند درجه دو تقسیم کنند و درجه اولی ها را به جان درجه دومی ها ببندازند تا خود بتوانند بر هر دو حکومت کنند. (قرآن این سیاست را استخفاف یعنی تحقیر و سبک کردن انسان ها می نامد.) این مطلب در آیه ۴ سوره قصص تصریح شده است :

«وَجَعَلَ آلِهَةً شَيْعًا يَسْتَضَعِفُ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ»

«و مردم آن را [سرزمین مصر] طبقه طبقه ساخت. طبقه ای از آنان را بزبون و ضعیف می داشت؛

پسرانشان را سر می برید و زنانشان را [برای بهره کشی] زنده بر جای می گذاشت.»

فرعون قبطی‌های مصر را بر سبطی‌ها حاکم کرد و آنها بی‌رحمانه سبطی‌های ستم‌دیده را آزار می‌دادند و استثمار می‌کردند. فرعون پسران بنی اسرائیل را می‌کشت و دختران را برای کار اجباری و بردگی زنده می‌گذاشت. راه برخورد با اختلاف فرعونی، آگاهی دادن به توده‌های مردم و مقاومت کردن در مقابل سیاست‌های اختلاف‌برانگیز فرعونیان است.

۳- اختلاف نژادی، زبانی و قومیتی

قرآن کریم تفاوت رنگ و زبان انسان‌ها را آیه و نشانه عظمت خالق و مایه تفکر دانایان می‌داند. به راستی، انسان‌های سفید، سرخ، سیاه و زردپوست و اقوام و قبایل گوناگون، تابلوهای رنگین خداوند در نمایشگاه بزرگ هستی هستند. آری، وجود این همه زبان و لهجه در میان مردم روی زمین آثار صنع الهی است نه بستری برای تفرقه و نزاع. بشر با نگرش نادرست به این امر مهم، جنگ‌ها برافروخته است، دل‌های زیادی را شکسته و روح‌های بسیاری را آزرده و خون‌های فراوانی ریخته است. برای رفع این اختلاف‌های واهی، باید تنوع در خلقت را نشانه‌ای از قدرت الهی دانست. هیچ انسانی در تعیین رنگ پوست، نژاد و قومیت خود دخیل نیست. مطابق آیه قرآن در سوره حجرات، این خلقت با کلمات «خَلَقْنَا : آفَرِدیم» و «جَعَلْنَا : قرار دادیم»، کار خداوند دانسته شده است.^۱ بنابراین، باید با تفاوت‌های زبانی، قومی، نژادی و قبیله‌ای آگاهانه برخورد کرد و با همگان با لطف و محبت ایمانی رفتار نمود؛ همان‌گونه که رسول رحمت و رأفت با بلال حبشی، صهیب رومی، سلمان فارسی، کابان کردی و... برخورد می‌کرد.

۴- اختلاف دینی

قرآن شریعت آسمانی را منشأ تمام ادیان آسمانی می‌داند.^۲ همچنین، همه پیروان این ادیان

۱- سوره حجرات آیه ۱۳: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»؛ ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و به صورت تیره‌ها و قبیله‌های متفاوت در آوریم تا یکدیگر را بشناسید. قطعاً گرامی‌ترین شما در محضر خداوند با تقواترین شماست.

۲- سوره شوری، آیه ۱۳: خداوند آیینی را برای شما مؤمنان بیان و روشن نموده که آن را به نوح توصیه کرده است؛ همان دینی که آن را به تو، ابراهیم، موسی، و عیسی سفارش کرده‌ایم..... توجه کنید که تشریع یعنی قانون‌گذاری و ترسیم برنامه زندگی.

را «مُسلم» می‌نامد.^۱ این شیوه نام‌گذاری به معنای آن است که تمام پیروان ادیان ابراهیمی باید تسلیم خداوند شوند و موحد گردند. از طرف دیگر، قرآن توحید را برنامه مشترک پیروان رسول الله و نیز برنامه اهل کتاب^۲ می‌نامد^۳ و اهل کتاب را بسیار واقع‌بینانه تقسیم می‌کند و تعهد گروهی از آنان را به عبادت خدا، تلاوت آیات خدا و سجده کردن در نیمه‌های شب می‌ستاید.^۴ با توجه به تمام اینها درمی‌یابیم که دیدگاه قرآن، دیدگاهی عادلانه و منصفانه است. طبیعتاً برخورد با اهل کتاب در سنت هم، همین گونه است. پیامبر همه انبیای الهی را برادران خود می‌دانست و همواره با احترام از آنها یاد می‌کرد و یکی از اولین اقداماتش در مدینه، اعلان صلح با اهل کتاب ساکن آنجا بود. اگرچه اهل کتاب بارها علیه پیامبر و صحابه توطئه کردند، بر آنها دروغ بستند و نسبت به آنها بی‌ادبی کردند و حتی با مسلمانان جنگیدند،^۵ طوری که پیامبر و صحابه در نهایت مجبور شدند با آنها مقابله کنند؛ با وجود این، مسلمانان از جاده حق و صواب خارج نشدند. قرآن حتی با مشرکان هم منصفانه برخورد کرد و فراتر از این، به پیروانش امر کرد که به مشرکان ناسزا نگویند.^۶ بنابر تمام این دلایل، اسلام دین صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز است و پیروی از دین اسلام به معنای برافراشتن پرچم جنگ علیه پیروان ادیان دیگر نیست. قرآن می‌فرماید :

«خداوند شما را از رفتار نیکو با کسانی که [به‌خاطر دین] با شما جنگیدند و شما را از شهر و دیارتان بیرون نکردند، منع نمی‌کند. با آنها به نیکی و عادلانه رفتار کنید؛ چون خداوند عادلان و نیکومتنان را دوست دارد، بلکه خداوند شما را از این منع می‌کند که با کسانی دوستی کنید که [به‌خاطر تعصبات دینی خود و ضدیت با دینتان] با شما جنگیدند و شما را از شهر و دیارتان بیرون راندند و برای بیرون کردن شما، دیگران [یعنی مشرکان] را یاری کردند.»^۷

بنابراین، تفاوت دین نمی‌تواند دست‌مایه‌ای برای جنگ و جدل و خون‌ریزی و بغض و کینه باشد و

۱- به آیات ۱۳۶، ۱۳۳، ۱۳۲، سوره بقره و آیات ۶۷، ۸۴، ۵۲، سوره آل عمران، سوره مائده آیه ۱۱۱، انعام آیه ۱۶۳، یونس آیه ۸۴ و ۹۰ و سوره عنکبوت آیه ۴۶ مراجعه کنید.

۲- به یهود و نصاری در اصطلاح قرآن «اهل کتاب» می‌گویند؛ یعنی کسانی که پیرو تورات و انجیل اند.

۳- سوره آل عمران، آیه ۶۴

۴- سوره آل عمران، آیه ۱۱۳

۵- جنگ احزاب یکی از بارزترین این موارد است.

۶- سوره انعام، آیه ۱۴۱

۷- سوره ممتحنه، آیات ۸ و ۹

همان طور که گفتیم، تاریخ اسلام ثابت کرده است که مسلمانان با تمسک به قرآن و سنت، بهترین رفتار را با اهل کتاب و پیروان سایر ادیان داشته‌اند.^۱ امروزه هم مسلمانان باید از تحریک ناهلان متأثر نشوند و رأفت و رحمت اسلامی را فراموش نکنند.^۲

ما به عنوان پیروان قرآن و سنت باید با اهل کتاب با مهربانی و عدالت رفتار کنیم و پیروان ادیان دیگر را به عنوان انسان بپذیریم^۳ و بدانیم که جلوه‌های اجتماعی و اخلاقی اسلام، مکمل جلوه‌های فردی و عبادی آن است و هر نوع کوتاهی عمدی در این زمینه خیانت به دین خدا محسوب می‌شود.

۵- اختلاف مذهبی

یکی از زمینه‌های مهم برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان تفاوت‌های مذهبی و فرقه‌ای است. این تفاوت‌ها در طول سالیان دراز مسلمانان را به گروه‌های مختلف تقسیم کرده است. آنچه مهم است آن است که هریک از گروه‌ها، فرقه‌ها و مذاهب نباید دیگری را کافر و خارج از دین بدانند. اگر مسلمانان در برخورد با یکدیگر کشمکش‌های فرقه‌ای، مذهبی و قومی خود را رها کنند و پیوند و همبستگی میان خود را حفظ کنند، می‌توانند تمدن از دست رفته خود را دوباره احیا کنند و در مقابل هجوم گسترده و بی‌امان غرب ایستادگی نمایند. تقویت عوامل همگرایی و پرهیز از کارهای تفرقه‌ساز بر همگان واجب و ضروری است.

روش صحیح برخورد پیروان مذاهب با هم

پیروان مذاهب اسلامی باید بدانند که همگی در کاروان ایمان هستند و تفاوت در آرای فقهی نباید قلب آنها را از هم دور کند. کافی است به همایش بزرگ و روح پرور حج بیندیشیم که چگونه همگی آنها در صف‌های پر از لطف و صفا در کنار هم نماز می‌خوانند و طواف و سایر اعمال حج را انجام می‌دهند. حاجیان نمایندگان تمام امت در آن عبادت پر از رمز و رازند. در حج که نمونه‌ای زیبا از کل اسلام است، تفاوت مذهبی توانسته است صفوف حجاج را بر هم زند. پس می‌توان با قاطعیت گفت که

۱- رفتار شخص رسول الله ﷺ، خلفای راشدین، اموی‌ها به خصوص عمر بن عبد العزیز، عباسیان و عثمانی‌ها (به ویژه سلطان عبدالحمید ثانی) بهترین نمونه و الگو برای مسلمانان معاصر است.

۲- سال‌هاست که سیاستمداران بیمار دل می‌خواهند پیروان ادیان ابراهیمی را به جنگ و خون‌ریزی وادارند و در این میان، کارنامه درخشان مسلمانان را مخدوش کنند. حاصل تحریک‌پذیری مسلمانان در مقابل این شیطنت‌ها، کشته شدن جوانان مسلمان از طرفی و خشن جلوه کردن دین اسلام از سوی دیگر است که طبعاً هر دو به ضرر مسلمانان است.

۳- توصیه امیرالمؤمنین در نامه مشهورش به والی مصر.

جایی برای اختلاف^۱ یا بزرگ نمایی اختلافات جزئی باقی نمی ماند.
پیروان مذاهب اسلامی باید بدانند که از کنگره آسمان آنها را به همبستگی و وحدت ندا داده اند که :
«همگی به ریسمان محکم الهی چنگ زنید و متفرق نشوید.»^۲

۶- اختلاف طبقاتی

منظور از اختلاف طبقاتی تفاوت اقشار مختلف مردم در محدوده رفاه است. روش قرآن در مواجهه با اختلاف طبقاتی این است که معمولاً همراه با امر به صلاة به ادای زکات هم امر می کند و به قول مفسران، قرآن می خواهد رابطه انسان را با خدا به وسیله صلاة و رابطه مؤمن را با دیگران با زکات و عبادات مالی گرم و صمیمی کند. چنین دینی چگونه می تواند به انسان ها اجازه دهد به خاطر تفاوت طبقاتی با همدیگر تنازع و کشمکش کنند، یکدیگر را تحقیر کنند و یا به یکدیگر ستم روا دارند؟ راه پرهیز از اختلافی که ریشه در تفاوت طبقاتی دارد، تفکر به مفاهیم والای اسلامی در زمینه مساوی بودن قدر و منزلت انسانی است.

۷- اختلاف حزبی^۳

حزب در لغت به معنای تجمّع است و به مجموعه ای از مردم که حول عقیده ای جمع شده اند، حزب می گویند. در اصطلاح علم سیاست، به سازمان های سیاسی که در پی تأثیرگذاری بر حکومت اند، حزب گفته می شود.^۴ پیوستن به احزاب محاسنی دارد که از جمله آنها پشتیبانی اعضا از فرد و قوت یافتن فرد با پیوستن به جمع است.^۵ با وجود این نقطه قوت، پیوستن به حزب گاه خالی از اشکال نیست. یکی از بلاهای پیوستن به حزب، تحزّب به معنای منفی آن است، یعنی دسته بندی انسان ها و ایجاد مرزبندی و پراکندگی در میان صفوف انسان ها و تعصب بی جا. در این صورت فردی که دچار تحزّب شده است، از دیگران دور می شود و نسبت به سایر انسان ها زاویه پیدا می کند و به شیوه ای صرفاً عاطفی و به دور از تعقل از افراد هم حزبی خود دفاع می کند. گاهی کار به جایی می رسد که اخوت اسلامی فراموش می شود و مفاهیم وسیع اسلامی در چارچوبی تنگ محصور می گردند. امروزه امت اسلامی، احزاب و

۱- به معنی نزاع و کشمکش نه تفاوت.

۲- سوره آل عمران، آیه ۱۰۳

۳- اختلاف جنسیتی، صنفی و طبیعی هم از دیگر انواع اختلاف است که توسط انسان ها موجب نزاع و کشمکش می شود.

۴- در جهان این تأثیرگذاری معمولاً از طریق نامزد کردن افرادی با دیدگاه های همسو با حزب برای به دست آوردن مسئولیت و مناصب سیاسی صورت می پذیرد.

۵- الکساندر دوما، شعار «یکی برای همه، همه برای یکی» را شعار گروه کوچکی از تفنگ داران ذکر کرده است. امروزه به نظر می رسد که افراد امتیاز ملحق شدن به حزب را با این شعار بیان می کنند.

جناح‌های بزرگی دارد که پیوستن به آنها (اگر به اثبات خود و نفی دیگران تفسیر و تعبیر شود) در نهایت به محدودهٔ اختلاف مذموم و ناپسند می‌رسد.

در اینجا لازم است به برنامه‌های پیامبر ﷺ در مدینه توجه کنیم. رسول مودت و رحمت در میان مهاجران و انصار مدینه پیمان برادری برقرار کرد و برای عاطفی کردن بیشتر این پیمان، آنها را دو نفر دو نفر برادر اعلام کرد. این برنامه در تاریخ اسلام «اِخاء» نامیده می‌شود.

راه برخورد صحیح با آفات همسویی با احزاب این است که بدانیم ما به عنوان مسلمان مأموریم که در طول شبانه روز حداقل نُه بار در تشهد به تمام مسلمانان سلام دهیم و این بدان معناست که تفاوت‌های حزبی هم نمی‌تواند تمسک مسلمانان به صراط مستقیم را به هم بزند. باید بدانیم که مصالح جمعی مسلمانان و اعتصام آنها به حبل خداوند، مقدم بر مصالح حزبی و گروهی است.

سخن آخر دربارهٔ دوری از اختلاف :

بسیاری از واژگان کلیدی اسلام حامل مفاهیم صلح، آرامش و نیکی کردن است.^۱ زندگی پر خیر و برکت رسول الله ﷺ و آموزه‌های گهربار قرآن و سنت هم سرشار از مفاهیم دوستی، الفت، مهر، محبت و انس و اتحاد است. همهٔ اینها نشان می‌دهند که هر کس دین اسلام را به گونه‌ای صحیح بفهمد، از تنازع، درگیری و اختلاف دوری می‌کند.

بیشتر بدانیم

در برابر اندیشهٔ وحدت و اتحاد، اندیشهٔ تفرقه افکنی و ایجاد چند دستگی قرار دارد. همگان جملهٔ معروف «تفرقه بینداز و حکومت کن» را شنیده‌ایم. شاید باور این نکته چندان آسان نباشد که به رغم تصور بسیاری از افراد، این روش منحصرأ ابزار استثمار و استعمار برای سلطه‌گری بر ملت‌های عقب‌مانده و غارت آنهاست و به کارگیری آن قدمتی چندین هزارساله دارد. در قرآن کریم آمده است که «فرعون در زمین برتری جویی کرد و اهل آن را به گروه‌های مختلفی تقسیم نمود». این شاهد قرآنی، خود مؤید گفتهٔ بالا است که استفاده از ابزار تفرقه افکنی پیشینه‌ای به قدمت طغیان و برتری طلبی انسان و بهره‌کشی او از هم‌نوع خود دارد. با اندیشه کردن در این مسئلهٔ تاریخی، وحدت کلمه و اعتصام

۱- واژگانی مثل اسلام، مسلم، ایمان، مؤمن، دارالسلام (سرای صلح و سلامتی یکی از نام‌های بهشت است).

همگانی به ریسمان الهی و نیز مخالفت طاغوت‌ها با پیام آوران این دعوت آشکار می‌شود. مردمان یا هم‌کیش‌اند یا هم‌نوع و باید به دنبال راهی برای همراهی و همیاری بود. دشمنان این را نمی‌خواهند و بذره‌های تفرقه را می‌پروراندند. فرومایه آن کس که ناخواسته در این کشتزار به بیگاری گرفته شده است، چه شیعه باشد و چه مدعی «سنت». در سایه اخوت و برادری است که مصیبت‌ها آسان می‌شود. وحدت است که پویایی می‌آفریند. باید به قرآن بازگردیم و هویت گم‌گشته خویش را بازشناسیم. باید به ریسمان الهی چنگ زنیم و از ناملايمات هراسی به دل راه ندهیم که اگر خدا را باور کنیم و دل به آنچه در کتاب او آمده بسپاریم، نه سست خواهیم شد نه اندوهناک.

تکمیل کردن

دربارهٔ اوضاع نامناسب سیاه‌پوستان در جوامع غربی، به خصوص آمریکا، تحقیق کنید.

اندیشه و تحقیق

- ۱- با اندیشیدن دربارهٔ عبادت با شکوه حج، بنویسید که تعامل مسلمانان با هم (با وجود مذاهب و آرای مختلف فقهی) باید چگونه باشد؟
- ۲- آثار و نتایج زیان‌بار تفرقه چیست؟ چند مورد را نام ببرید.
- ۳- تفاوت‌های موجود میان اقوام و مذاهب در کشور را چگونه می‌توان به فرصتی برای اتحاد تبدیل کرد؟
- ۴- عمده‌ترین کار پیامبر ﷺ در مدینه برای ایجاد اتحاد در بین صحابه چه بود؟ در این باره تحقیق کنید.

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ
 لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿١٠﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ
 عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا
 مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ
 الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿١١﴾
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ
 إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ
 أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ
 تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ
 وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَىٰكُمْ
 إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿١٣﴾ قَالَتِ الْأَعْرَابُ ءَامَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا
 وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ
 تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ
 غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٤﴾

مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس بین دو برادر خود صلح و آشتی برقرار سازید و تقوای الهی پیشه کنید، تا مشمول رحمت او شوید. ﴿۱۰﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (هرگز) گروهی از مردان شما گروه دیگری را مسخره نکنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند؛ و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند؛ و یکدیگر را مورد طعن و عیب‌جویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید؛ و آنها که توبه نکنند، ستمکارند. ﴿۱۱﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، چرا که بعضی از گمان‌ها گناه است؛ و (هرگز در کار دیگران) تجسس نکنید؛ و هیچ‌یک از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! (به یقین همه) شما از این امر کراهت دارید؛ تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است. ﴿۱۲﴾

ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قراردادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (اینها ملاک برتری نیست)، گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ به یقین خداوند دانا و آگاه است. ﴿۱۳﴾

اعراب بادیه نشین گفتند: «ایمان آورده‌ایم.» بگو: «شما ایمان نیاورده‌اید، ولی بگوئید اسلام آورده‌ایم، هنوز ایمان وارد قلوب شما نشده است؛ و اگر از خدا و پیامبرش اطاعت کنید، چیزی از پاداش کارهای شما را فروگذار نمی‌کند، خداوند، آمرزنده و مهربان است.» ﴿۱۴﴾



درس هشتم

آینده تاریخ در پرتو اخلاق اسلامی



از دیدگاه اسلامی، مطالعه آینده تاریخ مبتنی بر ملاحظات است که با آنچه در تفکرات آینده‌شناسان غربی می‌یابیم، متفاوت است؛ زیرا بیشتر این آینده‌شناسان غربی، دست خداوند را یکسره از تاریخ انسان کوتاه می‌پندارند و آینده را براساس استنباط از روند کنونی جمعیت‌شناختی، اقتصاد، زیست‌محیطی و مانند اینها مطالعه می‌کنند؛ درحالی که در دیدگاه اسلام، مطالعه آینده همواره مشروط به این است که اراده الهی را در همه لحظات زندگی انسان و در همه دوره‌های تاریخی حاضر بدانیم.

تاریخ زندگی انسان‌ها صحنه مبارزه دائمی حق و باطل بوده است. در جبهه حق انسان‌هایی حضور دارند که در راه خداپرستی، عدالت و فضایل اخلاقی تلاش کرده‌اند و صفحات تاریخ را با جهاد و ایثار خود زیبایی و شکوه بخشیده‌اند. در جبهه باطل خودخواهان و خودپرستانی حضور دارند که شرک، کفر، ستمگری و بهره‌کشی از انسان‌ها را پیشه خود ساخته‌اند.

آنان که از شناخت آفریننده جهان در مانده‌اند و اداره‌کننده‌ای مدبر و حکیم برای آن نمی‌شناسند، نمی‌توانند آینده‌ای روشن برای تاریخ انسان تصور کنند؛ اما خداپرستان که معتقدند یکی از نام‌های خداوند حق است و اوست که با حکمت خود جهان را اداره می‌کند. آنان براساس وعده الهی باور دارند که آینده نهایی جهان از آن حق خواهد بود و باطل شکست خواهد خورد و صحنه را ترک خواهد کرد.

دیدگاه قرآن کریم درباره آینده تاریخ

قرآن کریم آینده تاریخ را برای انسان‌ها پیش‌بینی کرده است، آنجا که می‌فرماید :

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که آنان را جانشین در زمین قرار دهد، همان‌طور که قبل از آنان کسانی را جانشین قرار داد و برای آنان دینشان را مستقر سازد و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند تا مرا بیرستند و به چیزی شرک نورزند.»^۱

در این آیه، وعده خدا به کسانی از امت محمد ﷺ است که ایمان آورده‌اند و کارهای پسندیده کرده‌اند؛ وعده این است که خدا ایشان را در زمین جایگزین دیگران می‌گرداند و نیز خوف و هراس آنان را به امنیت و آرامش مبدل می‌سازد. این وعده خداست. وعده خدا حق است و رخ می‌دهد و خدا هرگز خلاف وعده نمی‌کند.^۲

از دیدگاه قرآن مجید نیز از آغاز جهان خلقت همواره نبردی چشمگیر بین اهل حق و باطل وقوع یافته است، برای مثال میان گروهی از طراز ابراهیم، موسی، عیسی و محمد ﷺ و پیروان مؤمن آنها و گروهی از طراز نمود، فرعون، جباران یهود و ابوجهل و امثال آنها این نزاع برپا بوده است. به تعبیر مولانا همواره دو پرچم یکی سپید و دیگری سیاه در جهان افراشته است. در این نبردها گاهی حق و گاهی باطل پیروز بوده است که البته این پیروزی‌ها و شکست‌ها بستگی به یک سلسله عوامل اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی داشته است. به تعبیر قرآن، در آینده تاریخ این توازن و برابری به نفع خیر خواهد بود و در نهایت این نیروی خیر است که بر شر غلبه می‌کند. این نیروی خیر که قرآن آن را اختصاص به بندگان شایسته خداوند می‌دهد، باید همچون گذشتگان پرافتخار خود با ایمان و عمل در جهت جانشینی الهی تلاش کند و این امر منوط به پابندی به شجره طیبه اسلام است.

در تاریخ اسلام و با تأکیدات آیات قرآن یکی از مهم‌ترین عوامل نفوذ حق بر باطل، پابندی به اصول اخلاقی است. اخلاق اسلامی به عنوان اصلی مبنایی در توسعه دین و آرمان‌های اسلامی در جهان محسوب می‌شود که در آن عدالت فردی و اجتماعی به عنوان زیربنای آن آمده است؛ بدین معنی که اگر بتوان آحاد جامعه اسلامی را آراسته به فضیلت عدالت و اخلاق حسنه کرد، در واقع به توسعه حقیقی آرمان‌های اسلامی دست یافته‌ایم. در ادامه به تبیین ساختار این ثمره درخت اسلام که همان اخلاق اسلامی است، می‌پردازیم.

۱- سورة نور، آیه ۵۵

۲- تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب، ترجمه مصطفی خرم‌دل، ج ۴، ص ۸۳۸

اخلاق اسلامی

یکی از مهم‌ترین ثروت‌های انسان، اخلاق ستوده است و ارزشمندترین نوع این ثروت، اخلاق اسلامی است.^۱ اخلاق اسلامی به مجموعه آداب و منش‌های فردی و اجتماعی گفته می‌شود که با تکیه بر تنه درخت محکم دین، اصالت می‌یابد و میوه رفتار صحیح را در وجود مؤمن به بار می‌آورد. اخلاق فرد مسلمان رفتاری سطحی و مصلحت‌گرایانه نیست. او مؤمن است و ایمان در وجودش جریان دارد. به همین سبب، سخنانش مهربان‌تر و نگاهش پر از عطوفت و برخوردش گرم و صمیمی است. توحید و ایمان به قیامت، رنگ و بویی خدایی به گل وجودش داده است.

«تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^۲

«ما آن سرای آخرت را برای کسانی برپا می‌کنیم که در زمین خواهان هیچ نوع تکبر و استکبار و فساد و تباهی نیستند [و دل‌هایشان از آلودگی‌های مقام طلبی، خود بزرگ بینی و تباہکاری، پاک است] و عاقبت و پایان خیر فقط مخصوص پرهیزگاران است.»

تدبّر در آیه

با تدبّر در آیه ۸۳ سوره قصص، بگوئید که برای بهشتی شدن چند شرط تعیین شده است.

بیشتر بدانیم

از آیه زیر می‌توان فهمید که تواضع و پاکی مؤمنان (به عنوان دو اخلاق والا و برجسته)، حاصل ایمان آنها به قیامت است.

«وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا»^۳

«بندگان خاص خداى مهربان کسانی هستند که در زمین با فروتنی و دور از غرور راه می‌روند و هنگامی که نادانان آنها را مورد خطاب قرار دهند، به گونه‌ای ملایم و مسالمت آمیز جواب می‌دهند.»

۱- دبیران و دانش‌آموزان عزیز دقت کنند که هدف از این درس، تعریف علم اخلاق و تقسیم موضوعات و ذکر سیر تحول آن نیست بلکه هدف این است که با چند زیر ساخت اخلاقی و چند مورد اخلاق اسلامی آشنا شویم و اصل موضوع را با گوش جان بشنویم.

۲- سوره قصص، آیه ۸۳

۳- سوره فرقان، آیه ۶۳.

۴- توجه کنید که در شریعت اسلامی دو نوع سلام وجود دارد: ۱- سلام ملاقات، ۲- سلام خدا حافظ. منظور از سلام در این آیه، سلام دوم است؛ یعنی بندگان خوب خدا صحنه نزاع و درگیری با جاهلان را رها می‌کنند. گرچه ممکن است برای ما ایرانی‌ها سلام دوم چیز عجیبی باشد؛ چون در ایران از کلمه «خدا حافظ» یا «خدا نگهدار» استفاده می‌شود. فرقان، ۶۳

قرآن رفتار نرم و عاطفی پیامبر را هم حاصل رحمت خدا می‌داند :

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ»^۱

«در پرتو رحمت خداست که تو با آنان [که سر از خط فرمان کشیده بودند] نرمش نمودی و اگر

درشت‌خوی و سنگدل بودی، از پیرامونت پراکنده می‌شدند.»

جان کلام این است که باور عمیق به توحید و قیامت، نرم‌خویی و خوش‌قلبی و در نهایت خوش‌سخنی را

به‌دنبال دارد و معنای عمیق پشتوانه‌دار بودن اخلاق اسلامی، همین است.

تدبّر در آیه

با توجه به آیه ۶۳ سوره فرقان بنویسید که ترک کردن کسی که برخوردش مناسب نیست، چه

مزیتی بر مقاومت و درگیر شدن با او دارد؟

چند ستون اساسی در ساختار اخلاق اسلامی

با مطالعه قرآن متوجه می‌شویم که اخلاق خوب مؤمن با چند پشتوانه محکم^۲ تقویت می‌شود. در واقع، این پشتوانه‌ها اکسیرهای^۳ با ارزشی هستند که کیمیاگرانه داشته‌های وجودی انسان عادی را به طلای ناب تبدیل می‌کنند.

۱- بیداری (يقظه)

اگر قرآن را با تأمل مطالعه کنیم، متوجه می‌شویم که این کتاب روح‌پرور دارای شش موضوع اصلی است. یکی از این موضوعات، توصیف طبیعت و جلوه‌ها و نعمات نهفته در آن است. اندیشه در صنع زیبای خداوند بذر حبّ او را در دل انسان می‌کارد و در نهایت، باغ وجود انسان را گلستانی از عمل صالح و اخلاق زیبای اسلامی می‌کند. قطرات زیبای باران که به امر خداوند به طبیعت طراوت و زیبایی می‌بخشد و با نغمه مخصوص خود جان‌ها را می‌نوازد و میوه‌ها و ثمرات رنگارنگ را به بار می‌آورد، تنوع رنگ خاک و سنگ کوهستان‌ها (رنگ‌های سفید، قرمز، سیاه و... خطوط کوه‌ها) مردمان رنگین‌پوست (سیاه، سفید، سرخ و زردپوست)، چهارپایان متنوع و جنبندگان رنگارنگ مگر

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۵۹

۲- جز اعتقاد به توحید و قیامت

۳- قدما (گذشتگان) به دارویی که درمان تمام امراض بود، در اصطلاح اکسیر می‌گفتند. اکسیر در واقع جوهری آمیزنده و گدازنده بود که ماهیت اجسام را تغییر می‌داد و مثلاً نقره و مس را طلا می‌کرد (این ماده اساساً وجود نداشت و وجود ندارد) اما براساس آن اعتقاد، در ادبیات فارسی به هر راه حل و اندیشه زیر بنایی فعال و پویا و یا هر آنچه بسیار مفید است، اکسیر می‌گویند.

صفحاتی از کتاب پر رمز و راز زندگی نیستند؟

باید در این کتاب جذاب نگرست^۱ و انسان باید کتاب آسمانی ترسیم کننده این آیه‌های زمینی را تلاوت کند تا سر سجود بر آستان خدای بدیع السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ نهد و با خلق خدای، خوش خوی و خوش اخلاق گردد و در نهایت، در بهشت خداوند کارنامه قبولی دریافت کند و برای همیشه و تا ابد، در بهشت پر صفای پروردگارش با نیکان و عزیزان خدا دمساز گردد و بیاساید. قرآن از انسان‌های غافلی که در نمایشگاه جذاب هستی از کنار آیات آسمان و زمین می‌گذرند و با ناسپاسی راه اعراض و بی توجهی را در پیش می‌گیرند، انتقاد می‌کند:

«وَكَايِنِ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمْزُونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ»^۲.

«وجه زیادند آیات خداوند در آسمان‌ها و زمین که غافلان از کنارشان می‌گذرند و در موردشان تأمل

و اندیشه نمی‌کنند و آنها را نادیده می‌گیرند.»

قطعاً کسی که به خدا و آیتش بی‌اعتناست، به‌طور طبیعی در مقابل خوبی‌ها و خدمات پاک پدر و مادر و خانواده، ناشکری و ناسپاسی می‌کند. او به راحتی می‌تواند در مقابل خوبی‌های مردم بی‌مهری و ناسپاسی کند؛ بنابراین، ذکر خداوند و تفکر در آیات و نعمات او ملکه^۳ شکر و سپاسگزاری را، که از منجیات^۴ اخلاقی است، در انسان ایجاد می‌کند.

گام اول در پیدا کردن اخلاق نیکو همین یقظه (بیداری) و فکر و ذکر است. قرآن در موارد متعدد انسان را به یقظه دعوت می‌کند و به او می‌گوید: «بیدار شو!». شما با ارزش هستی؛ شما جاودانه‌ای و قیمت شما بهشت است. در نمایشگاه پر فرّ و شکوه هستی غافلانه حرکت نکن. به آیات خدا با اندیشه نگاه کن و به وجود خودت بیندیش.

۲- رهایی از مهلکات (تخلیه)

اکنون که بیدار شده‌ایم، لازم است وجودمان را از آلودگی‌ها پاک کنیم. خداوند ما را پاک آفریده است، اما خطاها، تأثیرات محیط، وسوسه‌های شیطانی و نفسانیات، وجودمان را به مهلکاتی مبتلا

۱- ترسیمی از آیات ۲۷ تا ۳۰ سوره فاطر

۲- سوره یوسف، آیه ۱۰۵

۳- ملکه یکی از اصطلاحات علم اخلاق است. به صفتی راسخ و جای گرفته در وجود انسان که تغییر یا برداشتن آن تلاش و رنج و زمان بخواهد، ملکه گویند. ملکه در وجود انسان دو نوع است: ۱- ملکه خیر (صفات نیکو پسندیده)، ۲- ملکه شر (صفات زشت و ناپسند). قرآن ملکه خیر را «استقامت» و ملکه شر را «اصرار» می‌نامد.

۴- به عقیده یکی از بزرگ‌ترین صاحب نظران اخلاق اسلامی (امام محمد غزالی رحمه الله)، منجیات (نجات‌دهندگان) به اخلاق پسندیده‌ای می‌گویند که موجب نجات ابدی فرد متخلق و آراسته به آن می‌شود. در مقابل، امام غزالی به اخلاق ناپسندی که موجب هلاکت و بدبختی انسان می‌شود مهلکات (نابود کننده‌ها) می‌گوید.

کرده‌اند که ابتدا باید آنها را بشناسیم و با جدیت خویش، خود را از آنها پاک کنیم. اگر در منزل با ناسپاسی با پدر و مادر برخورد می‌کنیم، اگر در جمع دوستان تندخو هستیم، اگر با مردم منصف نیستیم و در تعاملات اجتماعی حق و عدالت را رعایت نمی‌کنیم، باید خود را از این اخلاق‌های ویرانگر دور کنیم.

آشنایی با چند مورد از مهلکات

در علم اخلاق، به ناهنجاری‌های رفتاری «مهلکات» می‌گویند. این ناهنجاری‌ها به این سبب که زندگی و حیات ایمانی را نابود می‌کنند، مهلکات نام گرفته‌اند.

علمای علم اخلاق، تکبر، حسد، فساد و بی‌رحمی را از بزرگ‌ترین انواع مهلکات به حساب می‌آورند. لازم است برخی از موارد بالا را به اختصار بررسی کنیم.

الف) تکبر:

روزی رسول خدا ﷺ با صحابه رضی الله عنه درباره فرجام بد تکبر سخن می‌گفتند. فردی از صحابه عرض کرد: انسان دوست دارد لباسش خوب و کفش‌هایش زیبا باشد (آیا این کار هم نوعی تکبر است؟). پیامبر فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ الْكِبَرُ بَطْرُ الْحَقِّ وَ غَمَطُ النَّاسِ»^۱؛ خداوند زیباست^۲، زیبایی را دوست دارد؛ تکبر انکار حق و سبک شمردن مردم است.

قرآن در داستان خلقت می‌فرماید که تکبر ویژگی شیطان است.^۳

پیامبر و صحابه بزرگوارش از تکبر بسیار دور بودند. در تاریخ آمده است که وقتی اسبی جوان را به امیرالمؤمنین عمر رضی الله عنه هدیه کردند، از سوار شدن به آن امتناع نمود و در جواب دوستانش که به این کار اصرار می‌کردند، فرمود: «این اسب زیبا و جوان است. می‌ترسم با سوار شدن به آن دچار تکبر گردم.»

تدبّر در حدیث

با تدبّر در حدیث پیامبر ﷺ بگویند چرا انکار حق، بر تحقیر مردم (در تعریف تکبر)، مقدم شده است.

۱- مسند احمد ۴۴۳۶، سنن الترمذی ۱۹۹۸، سنن ابو داود ۹۱۸۰، صحیح مسلم ۹۱، سنن ابن ماجه ۵۹. این حدیث به گونه‌ای بسیار زیبا تصویری جامع از تکبر را ترسیم می‌کند.

۲- در تفسیر کلمه جمیل برای خدا شارحان حدیث گفته‌اند، کار خدا زیباست، نام‌های زیبا و نیکو دارد و دارای صفات کمال و جمال است.

۳- خوب است بدانید که حسد به آدم عاقل و در پی آن سربیزی از خداوند و تکبر در مقابل قدر و منزلت آدم عاقل سه موردی بود که موجب هلاکت شیطان شد.

گسترهٔ تکبر : تکبر در انسان‌ها زمینه‌های متفاوتی دارد و شایع‌ترین انواع آن عبارت‌اند از : تکبر در زمینهٔ محل ولادت^۱، زبان، نژاد، تکبر در زمینهٔ جایگاه طبقاتی (ثروتمند و فقیر)، مشهور و غیر مشهور، تکبر جنسیتی و حتی تکبر دینی.^۲

راه درمان تکبر این است که انسان به اصل خلقت بنگرد و مرگ را از یاد نبرد و فراموش نکند که تمام نعمت‌ها از خداست. ضمناً دعا کردن و درخواست تواضع از خدا هم اکسیری بسیار کارا و موفق است.

(ب) حسد :

در علم اخلاق، تلاش برای به‌دست آوردن کمالات دیگران، غبطه نام دارد و غبطه یکی از انواع ارزش‌هاست، اما تلاش برای نابود کردن خوبی‌ها و کمالات مردم، حسد نامیده می‌شود. حسادت نوعی تنگ نظری و کم ظرفیتی است و اولین قتلی که در زمین انجام شد، در پی حسادت بود.^۳

حسادت بیماری خطرناکی است که روح و روان و آسایش فرد حسود را به خطر می‌اندازد (همان ضرب‌المثل معروف که حسود هرگز نیاسود) و در صورت عملی شدن افکار فرد حسود، آرامش کسی هم که مورد حسد قرار گرفته است، به خطر می‌افتد. فرد حسود در واقع انسان جسوری است که به اراده و حکمت خداوند و در مواردی تلاش فرد مورد حسادت معترض است.

حسود از خیر خواهی به دور است؛ در حالی که خلاصهٔ دین خیرخواهی است. حسادت گاهی به کفر می‌انجامد؛ چنان که قرآن از قول کافران نقل می‌کند که به پیامبران می‌گفتند : آیا بشری ما را هدایت می‌کند؟ (که در بشر بودن مثل ماست.)

درمان حسادت : برای درمان حسادت، توجه به چند نکته لازم است :

- ۱- ما هم نعمت‌هایی داریم که دیگران ندارند.
- ۲- دنیا کوتاه و گذراست؛ غصه خوردن برای آن ارزش ندارد.
- ۳- حسادت، حقارت است؛ چرا خودمان را حقیر کنیم؟
- ۴- کسی که نعمت بیشتری دارد، وظیفه و تکلیف بیشتری هم دارد. (همان ضرب‌المثل «هر که بامش بیش برفش بیشتر.»)

۱- بحث‌های شهری و روستایی، شهرستانی و پایتختی بودن و...

۲- چه بسا کسانی که به سبب داشتن جایگاه علمی (در دین) و عبادت (با مصادیق مختلف آن) به تکبر دینی مبتلا می‌شوند. به قول حافظ :

تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافری است راهرو گر صد هنر دارد توکل بایده

۳- اولین گناهی که در آسمان انجام شد، حسادت ابلیس به آدم بود.

۵- باید بدانیم که حسادت خود آزاری است (البته در صورت دست به عمل زدن، به دیگر آزاری هم تبدیل می‌شود). خود آزاری و دیگر آزاری بهتر است یا آرام بودن و آسایش؟

۶- دعا بهترین دارو برای درمان حسادت است.

صحابه به جای حسد و ورزیدن، از خوبی‌های دوستانشان تعریف می‌کردند و آنها را ستایش می‌نمودند.

عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه با وجود اینکه خود ثروتمند و اهل سخاوت بود، همیشه از سخاوت امیرالمؤمنین عثمان رضی الله عنه تعریف می‌کرد.

بیشتر بدانیم

دو نمونه دیگر از مهلکات :

۱- فساد و تباهی

خروج از اعتدال را (چه کم و چه زیاد) فساد می‌گویند. نقطه مقابل فساد، صلاح^۱ است. فساد در انسان این است که به جای طلب حلال به دنبال حرام باشد. به همین سبب اموری مانند دزدی، اختلاس، گناهان جنسی و تعرض به جان، مال، آبرو و دین مردم را فساد می‌گویند. امروزه فاسدان فناوری را در خدمت فسادشان به کار گرفته‌اند و از طریق رسانه‌ها و سایر وسایل موجود، فساد را ترویج می‌کنند؛ آن را تزئین می‌کنند و عادی جلوه می‌دهند.

متأسفانه ادبیات و هنر را هم فاسدان تخریب می‌کنند و با این دو موهبت و نعمت، مخاطبان را از جاده اعتدال خارج می‌سازند.

راه مقابله با فساد، یقظه و تخلیه است. باید بیدار باشیم و با توکل به خدا و اراده و هوشیاری، در مسیر اعتدال حرکت کنیم و اگر احیاناً از جاده صواب خارج شدیم، با استغفار و توبه بار دیگر به این جاده برگردیم.

پاکی و پاک بودن و ادب در برابر خدا در هر سن و سالی ارزش دارد، اما در جوانی بسیار با ارزش‌تر است و به قول اقبال لاهوری :

آبروی گل ز رنگ و بوی اوست	بی‌ادب، بی‌رنگ و بو، بی‌آبروست
نوجوانی را چو بینم بی‌ادب	روز من تاریک می‌گردد چو شب ^۲

۱- کسی را که به فساد مبتلا شده است، فاسد و فردی را که اعتدال اخلاقی دارد، صالح می‌گویند. کلمه فساد در مورد قلب و روح، بدن و حتی اشیاء خارج از اعتدال، به کار می‌رود. مثلاً روح و روان مهاجم و پرخاشگر را می‌توان فاسد نامید؛ چون از اعتدال خارج شده است یا عضوی زخمی را که متعفن شده است، می‌توان فاسد نامید؛ چون از حالت اعتدال بیرون رفته است. در مواد غذایی هم شیری که ترشیده شده، فاسد است؛ چون حالت اعتدال و پاکی را از دست داده و دگرگون شده است.

۲- جاویدنامه، اقبال لاهوری

در نوجوانی و جوانی باید همیشه در فکر خالی کردن وجود خود از بدی‌ها (تخلیه) باشیم و به محض مبتلا شدن به بدی‌ها وجود خود را از آنها پاک کنیم. شکی نیست که فساد و تباهی آبروی انسان را نزد خود انسان نیز می‌برد.^۱

۲- بی رحمی :

یکی از مهلکات بسیار خطرناک، بی‌رحمی است و لازمه حیات قلب انسان، رحم است. وقتی شخص و جامعه بی‌رحم می‌شوند، هر نوع جرم و جنایتی آسان می‌گردد، امنیت نمی‌ماند و روز آرام انسان، به شبی سرد و تاریک تبدیل می‌شود.

امروزه بی‌رحمی به بیماری مسری، خطرناک و شایعی تبدیل شده است. نظام سرمایه‌داری برای حفظ پول و ثروت و سرمایه، جان انسان‌ها را حقیر می‌کند. افراد زیادی مهارت، ثروت و علم خود را با بی‌رحمی به جان مردم انداخته‌اند و جز سود شخصی، هیچ چیزی را مهم و هیچ‌کس را محترم نمی‌دانند. آنها با این روش، خود را هم از رحمت زمینیان (انسان‌ها) و هم از دعای آسمانیان (ملائکه) محروم می‌کنند. پیامبر رحمت چه زیبا فرمود: «الْزَّاحِمُونَ يَرْحَمُهُمُ الرَّحْمَنُ، إِرْحَمُوا مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمَكُم مَّنْ فِي السَّمَاءِ»^۲ خدای مهربان به مهربانان رحم می‌کند. به اهل زمین رحم کنید تا اهل آسمان به شما رحم کنند.

باید در همین اوان جوانی بیدار شویم و قساوت قلب را از خود دور کنیم. قساوت و بی‌رحمی حاصل تحلیلی بسیار اشتباه است و آن تحلیل اشتباه این است که دنیا را میدان جنگ (و نه نمایشگاهی پر از لطف و صفا) بدانیم. باید با يقظه و بیداری دریابیم که :

بنی آدم اعضای یکدیگرند	که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار	دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی‌غمی	نشاید که نامت نهند آدمی ^۳

۱- آبرو اصطلاحی بسیار زیباست. گل زمانی شاد و خرم است که آبی در رو و وجودش مانده است و همین که این آب از بین می‌رود، خشک و پژمرده می‌شود و می‌ریزد. پاکی و مقاومت در مقابل پلیدی‌ها، آبروی انسان است و زندگی واقعی انسان وابسته به این اعتبار و آبروست. امروزه باید با هوشیاری بیشتر عمل کنیم. باید در آسمان زندگی شاهین وار پرواز کنیم؛ چون کرکس بودن بی‌آبرویی است :

کرکسان را رسم و آیین دیگر است سطوت پرواز شاهین دیگر است

کرکسان گردآگرد مدارها می‌چرخند و فرد فاسد، کرکس وار خود را در تباهی‌ها غرق می‌کند. شاهین و عقاب وجود انسان بلندپرواز است و محل سکونتش قله کوه‌ها و غذایش پاک‌ترین غذاهاست.

۲- سنن ترمذی ۱۹۲۴، مسند امام احمد ۲۴۶۵، سنن ابو داود ۴۹۴۱

۳- گلستان سعدی باب اول در سیرت پادشاهان؛ سعدی این شعر را از حدیث زیر گرفته است :

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ : مَثَلُ الْمُؤْمِنِ فِي تَوَاضُعِهِ وَ تَرَاخُصِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اسْتَكْبَحَ بَعْضُهُ نَدَاعَى سَائِرِهِ بِالسَّهْرِ وَ الْحُمَى.

رسول خدا ﷺ فرمود: مَثَلِ مؤمنان در مهرورزی و دلسوزی به هم، مانند یک تن است که چون عضوی از آن بیمار شود، همه آن دچار

بی‌خوابی و تب گردد (صحیح بخاری ۶۰۱۱، مسند امام احمد ۱۸۳۵۵، صحیح مسلم ۲۵۸۶).

۳- آراسته شدن (تحلیه)

تحلیه در لغت به معنای آراسته شدن است و در اصطلاح علم اخلاق، آراستگی فرد مؤمن به اخلاق و اعمال نیک را تحلیه می‌گویند.

در این مرحله از خودسازی، انسان در پی آن است که ظرف وجود خود را از چیزهای پاک پر کند؛ ذاکر شود؛ خیرخواه گردد؛ مهربان شود و مهر بورزد؛ راه عبادت و بندگی و اخلاص در پیش گیرد و تا جایی که می‌تواند به دیگران خدمت کند؛ گرم و صمیمی به همگان سلام کند و با همه به نیکویی سخن گوید.

چون :

حرف بد را بر لب آوردن خطاست کافر و مؤمن همه خلق خداست
آدمیت، احترام آدمی با خبر شو از مقام آدمی^۱

با احترام با همگان برخورد کند و برای افراد سالمند احترام ویژه‌ای قائل باشد. همچنین رحمتش نسبت به فقرا و ضعیفان، بیشتر از دیگران باشد.

ارزش اهل علم را بداند و حتی در مورد حیوانات هم رأفت ایمانی را رعایت کند. اینها همه تحلیه هستند و زیبایی وجود انسان پس از یقظه و تخلیه (رهایی از مهملکات) با تحلیه صورت می‌گیرد. صحابه پیامبر ﷺ در دوره مدنی طوری در زمینه تحلیه کار کرده بودند که همگان در خودسازی با یکدیگر رقابت می‌کردند.

۴- جلا دادن (تجلیه)

تجلیه در لغت به معنای جلا دادن و شفاف نمودن است و در اصطلاح علم اخلاق به مرحله‌ای از خودسازی گفته می‌شود که مؤمن مقید به اخلاق اسلامی، با اخلاص بیشتر و رفع کاستی‌ها، اخلاق و رفتار زیبایش را نیکوتر می‌کند و جلا می‌دهد. توصیف ضرار، دوست امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ﷺ، از رفتار و عبادت آن بزرگوار تصویری گویا از تجلیه است. او می‌گوید: «شبی علی ﷺ را دنبال می‌کردم که وارد مسجد شد. می‌خواستم عبادتش را بنگرم. علی ﷺ شروع به نماز خواندن کرد. می‌گریست و خود را مورد خطاب قرار می‌داد. گاهی با دنیا صحبت می‌کرد و می‌گفت: ای دنیا، برو دیگران را فریب ده. علی به نعمت‌های فانی و لذت‌های گذرا، کاری ندارد. عمر تو کوتاه است و...»^۲ در این نوع مناجات زیبا امیرالمؤمنین علی ﷺ می‌خواهد درون خود را در محضر خدایش صیقلی کند و تواضع دینی و تربیتی

۱- اقبال لاهوری، جاوید نامه.

۲- کتاب خلفاء النبی اثر خالد محمد خالد.

درونی‌اش را به اوج برساند.

تجلیه با تواضع، استغفار و رفع نقص و کاستی عبادات و اخلاق نیک صورت می‌گیرد. هر چه دقت انسان در اخلاص بیشتر شود، اعمال و اخلاقش جلای بیشتری می‌یابد.^۱

اندیشه و تحقیق

- ۱- درباره آثار و نقش استغفار در مقابل خداوند و عذرخواهی از مردم (به هنگام خطا و اشتباه) بیندیشید و توضیح دهید.
- ۲- درباره کتاب مدارج السالکین و احیاء علوم دین تحقیق کنید. برای تکمیل تحقیق خود، کتاب معاصری را پیدا کنید و روش تربیتی آنها را به بحث و گفت‌وگو بگذارید.

۱- مراقبه، مشارطه، و محاسبه از دیگر مراحل خودسازی هستند که امیدواریم دبیران گرامی و دانش‌آموزان عزیز در کلاس در این باره با هم به گفت‌وگو بنشینند.

- ١- اتمام الوفاء في سيره الخلفاء، محمد الخضري، نشر دارالفكر، بی تا
- ٢- الاصابه في تمييز الصحابه، ابن حجر عسقلاني، ناشر دارالكتب العلميه، نشر بيروت لبنان، بی تا
- ٣- البدايه و النهايه لابن كثير (عمادالدين اسماعيل بن كثير دمشقي)، مكتبة المعارف، بيروت، الطبعة ١٤٣٨
- ٤- تفسير في ظلال القرآن، سيد قطب، مترجم دكتور مصطفى خرم دل، نشر احسان، چاپ پنجم، ١٣٩٤
- ٥- تمدن اسلام و غرب، گوستاولويون فرانسوي، مترجم سيد محمد تقی فخر داعی گیلانی، طهران ١٣١٨، چاپخانه علمی، چاپ سوم، ١٣١٨ هـ . ش
- ٦- تهذيب التهذيب، ابن حجر عسقلاني، الطبعة حیدرآباد ١٣٢٥ هـ. ق
- ٧- خلفای راشدین از خلافت تا شهادت، صلاح عبدالفتاح الخالدي، ٢٠١٤ م
- ٨- السنة و مکاتبا فی التشريع الاسلامي، مصطفى السباعي، المكتب الاسلامي بيروت، نشر : دارالوراق، دارالنيرين، دمشق، الطبعة الثالثة، ١٤٠٢ هـ. ق
- ٩- سنن ابن ماجه، ابن ماجه ابو عبدالله محمد بن يزيد القزويني، قاهره، مصر، ١٤١٢ ق/ ١٩٩١ م
- ١٠- سنن الترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی ترمذی، تحقیق احمد محمد شاکر
- ١١- سير اعلام النبلاء، شمس الدين ابو عبدالله، محمد بن احمد عثمان بن قايمآز الذهبی، محقق : مجموعة من المحققين
- بشراف شيخ شعيب الارناؤوط، الطبعة مؤسسه الرساله البيروت، الثانيه، ١٤٠٢ هـ ق/ ١٩٨٥ م
- ١٢- صحيح البخاري، ابو عبدالله محمد بن اسماعيل بخاري، نشر الدار الدعوة، تركيا ١٤٠١ هـ
- ١٣- صحيح مسلم، مسلم بن حجاج نيشابوري، تصحيح معمر فواد عبد الباقي، چاپ اول، قاهره، مصر ١٤١٢ ق/ ١٩٩١ م
- ١٤- الفقه الاسلامي وادلته، زحيلي، وهبة، ناشر : دارالفكر، دمشق، سوريه، الطبعة : الخامس و الثلاثون، ١٤٣٨
- ١٥- مثنوى معنوي، جلال الدين محمد بن محمد مولوي، تصحيح : رينولد نيكلسون، تهران، نشر هرمس، ١٣٨٢
- ١٦- المرتضى (سيره و زندگي جامع تحقيقي و تأليفي اسوه تقوى و عدالت حضرت علي مرتضى)، سيد ابوالحسن علي حسيني ندوي، چاپ اول، مركز انتشارات فاروق اعظم، زاهدان، پايز ١٣٨٥
- ١٧- مسند، الامام احمد بن حنبل، شعيب الارناؤوط، عادل مرشد، بيروت، لبنان ١٤١٦ ق/ ١٩٩٦ م
- ١٨- مسند الدارمي (سنن الدارمي)، عبدالله بن عبدالرحمن دارمي، محقق : داراني حسين سليمان، ناشر دارالمغني، رياض، ١٤٢١ ق



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت معلمان را به‌عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می‌کند. برای تحقق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی بر خط اعتبارسنجی کتاب‌های درسی راه‌اندازی شد تا با دریافت نظرات معلمان درباره کتاب‌های درسی نونگاشت، کتاب‌های درسی را در اولین سال چاپ، با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه تحلیل محتوای آموزشی و پرورشی استان‌ها، گروه‌های آموزشی و دبیرخانه راهبری دروس و مدیریت محترم پروژه آقای محسن باهو نقش سازنده‌ای را بر عهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اسامی دبیران و هنرآموزانی که تلاش مضاعفی را در این زمینه داشته و با ارائه نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند به شرح زیر اعلام می‌شود.

کتاب ضمیمه دین و زندگی ۲ (ویژه اهل سنت) - کد ۱۱۱۲۳۸

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت
۱	دادکریم دانش پیپ	سیستان و بلوچستان	۹	ناصر میثاقی	هرمزگان
۲	سامی پورابراهیم	آذربایجان غربی	۱۰	عین الدین صدیقی	هرمزگان
۳	احمد تاجدار	آذربایجان غربی	۱۱	ملک جمشید کرد	سیستان و بلوچستان
۴	بهرام سرفراز روئین	خراسان شمالی	۱۲	نورصحت محمدی	خراسان شمالی
۵	صدیق محمودی	کردستان	۱۳	جمال قریشی	آذربایجان غربی
۶	منصور حسین زاده	کردستان	۱۴	گیتی پیرزاده	هرمزگان
۷	حسین فروغی فر	کردستان	۱۵	منظر دریانورد	هرمزگان
۸	جلیل بختیاری	کردستان	۱۶	موسی ملایی	هرمزگان